



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

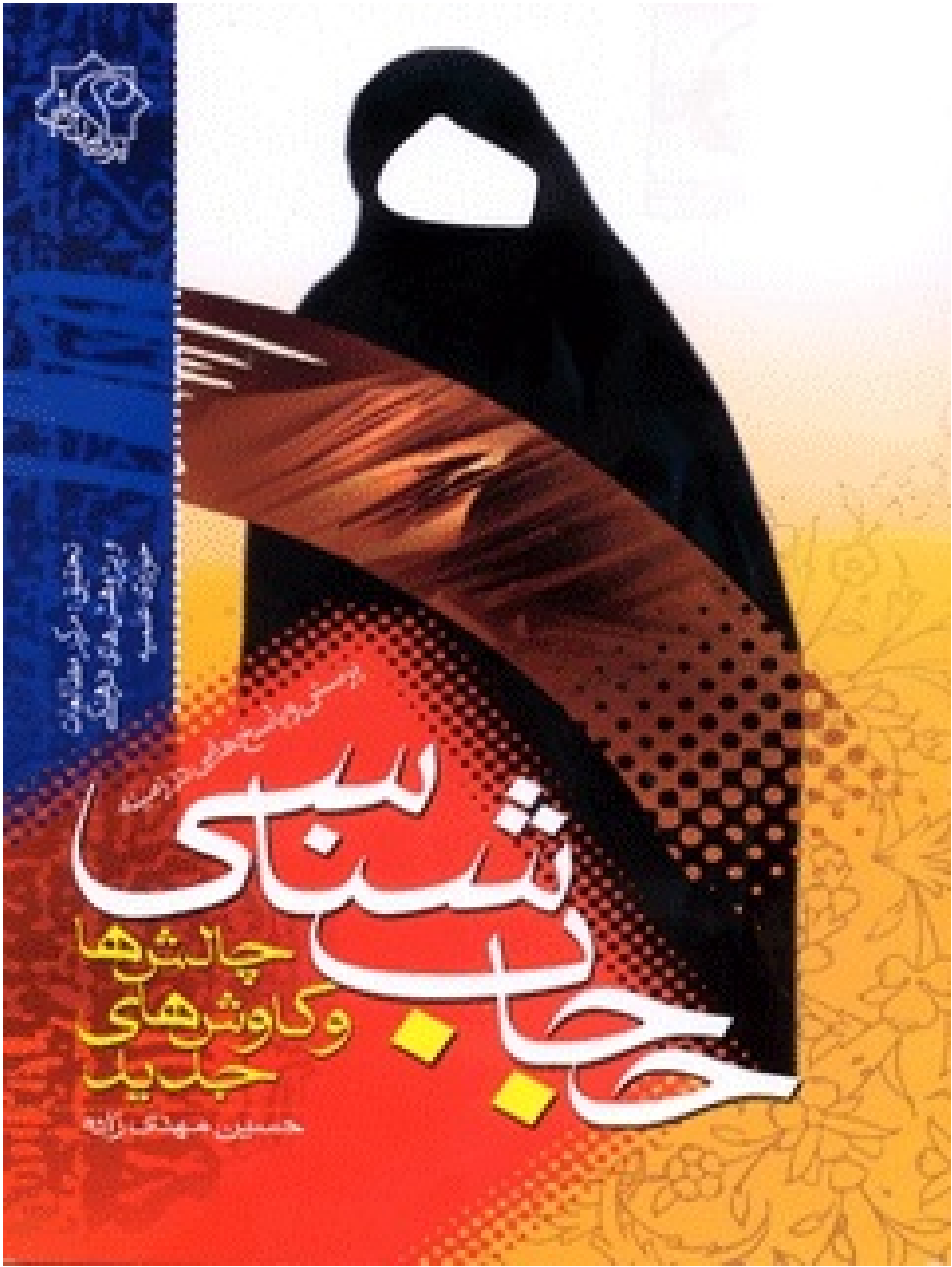
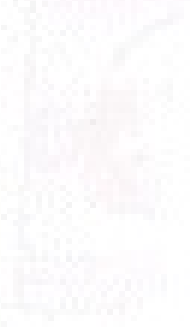


سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حیات پستی

چالش‌ها
و گاورش‌های
جدید

حسین مهتاب‌زاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب شناسی

نویسنده:

حسین مهدی زاده

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	حجاب شناسی
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۱۰	دیباچه
۲۳	فصل اول
۲۳	اشاره
۲۳	مفهوم و ابعاد حجاب
۲۵	رابطهی حجاب و عفاف
۲۸	هدف و فلسفهی حجاب
۳۰	آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف
۳۰	اشاره
۳۰	الف) فایدهی حجاب در بُعد فردی
۳۱	ب) فایدهی حجاب در بُعد خانوادگی
۳۲	ج) فایدهی حجاب در بُعد اجتماعی
۳۲	د) فایدهی حجاب در بُعد اقتصادی
۳۳	پی نوشتها:
۳۶	فصل دوم
۳۶	تاریخچه ی اجمالی حجاب و حجاب زدایی
۳۶	علل شکست حرکت‌های کشف حجاب
۳۶	اشاره
۳۶	الف) فطری بودن حجاب
۳۹	ب) دینی بودن حجاب
۳۹	ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

۴۰	منشأ حرکت‌های بیحجابی و بدحجابی
۴۴	رابطه‌ی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی
۴۹	فصل سوم
۴۹	اشاره
۵۰	نگاهی اجمالی به شکلهای حجاب قرآنی بانوان
۵۰	اشاره
۵۰	الف) خمار
۵۱	ب) جلباب
۵۲	فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد
۵۴	کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (س)
۵۵	رنگ جلباب و چادر قرآنی
۵۷	نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی
۶۳	پی نوشتها:
۶۷	فصل چهارم
۶۷	اشاره
۶۷	رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها
۷۰	حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس
۷۲	رابطه‌ی حجاب و فشارهای اجتماعی
۷۴	رابطه‌ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی
۷۶	سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله‌ی حجاب
۷۸	لباس و پوشش و حق انتخاب آن
۸۰	پی نوشتها:
۸۲	فصل پنجم
۸۲	اشاره
۸۳	مسئله‌ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر
۸۳	حجاب مشکی در تابستان

۸۸	پی نوشتها :
۹۳	نتیجه گیری
۹۵	پیشنهادها و توصیهها
۱۰۶	استفتائات و دیدگاههای مراجع تقلید دربارهی حجاب و لباس (۱)
۱۱۷	فهرست گزیده منابع (۱)
۱۲۶	درباره مرکز

سرشناسه: مهدی زاده حسین عنوان و نام پدیدآور: حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید/ مولف حسین مهدی زاده تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه ویراستاران محمدجواد شریفی حمید انصاری مشخصات نشر: قم حوزه علمیه قم مرکز مدیریت ۱۳۸۱. مشخصات ظاهری: نه ۱۸۷ ص نمونه فروست: (پرسمان دینی شابک: ۹۶۴-۹۱۸-۶۹۱۸-۳۷-۹؛ ۸۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۱۸-۶۹۱۸-۳۷-۹؛ ۸۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۱۸-۶۹۱۸-۳۷-۹؛ ۸۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی Hegabshenasi. یادداشت: چاپ دوم ۱۳۸۲؛ ۸۰۰۰ ریال یادداشت: عنوان روی جلد: پرسش و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید. یادداشت: کتابنامه ص [۱۷۷] - ۱۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان روی جلد: پرسش و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید. عنوان دیگر: پرسش ها و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید موضوع: حجاب شناسه افزوده: حوزه علمیه قم مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی شناسه افزوده: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷ م/ ۸۷۳ ح ۳ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۳۹۰۹۷

مقدمه

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی میابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با این فلسفه و حکمت حکیمانه صادر شده است.

زن با عنصر حجاب اسلامی، به تهذیب و ترکیهی نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم ساخته و زمینهی رشد معنوی مردان را

در اثر حفظ نگاه تأمین می‌کند؛ همچنان که خداوند سبحان خطاب به پیامبر می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمهای خود را از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است»؛ (۱) همچنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشتن را به چادرهای خود فرو پوشند که این کار برای این است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.» (۲) شایان ذکر است که حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیقات و ملکات نفسانی آدمیان مؤثر نمیباشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز و التهابهای جسمی، و معاشرتهای بیندوبار را کنترل، و بر تحکیم نظام خانواده افزوده، و از انحلال کانون محکم زناشویی جلوگیری نموده، و امنیت اجتماعی را فراهم میسازد.

البته و صد البته که حفظ نظام خانواده از مهم ترین ارزشهای آدمی است. آنان که میان نظام خانواده و روابط نامشروع تمایز قایل نیستند؛ به لحاظ معرفتی، نسبیگرایند و معیار سنجش معرفت صحیح از سقیم را انکار میکنند. این گروه، حتی برای رویکرد و اندیشه‌ی خود نیز ارزش معرفتی قایل نیستند و همیشه در شکاکیت مطلق گرفتارند. کسی که هدفمندانه زیست کند، برای رفتارها و اندیشه‌ها، معیارمندانه دست به گزینش میزند، تا به اهداف متعالی انسانی و الهی دست یازد؛ و حفظ حجاب و پوشش اسلامی و به تبع آن، حفظ نظام خانواده نیز از آن رو ارزش دارند که

تأمین کننده‌ی سعادت آدمی و منشأ قرب الهی هستند.

حال اگر کسانی با نگاه دینی و اسلامی و یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روانشناختی، مسئله‌ی حجاب را ارزیابی کنند، به کارکردهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی آن پی برده، به تأیید و ترویج آن اقدام میکنند؛ بنابراین، پوشش اسلامی زن به منزله‌ی یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم است که مصونیت اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی را فراهم میسازد.

چالشها و پرسشهای معاصر که ذهن نسل جوان را به خود مشغول ساخته، حوزه‌ی پوشش و حجاب اسلامی را نیز دربر گرفته است؛ مسائلی همچون: آثار و فواید حجاب، رابطه‌ی حجاب و عفاف، فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد، رنگ مشکی چادر، رابطه‌ی حجاب و آزادی، پوشش و حق انتخاب، نوع حجاب و...

محقق فرزانه جناب حجتالاسلام حسین مهدیزاده از پژوهشگران گروه تربیت و مشاوره‌ی مرکز، در پاسخگویی به پرسشهای فوق، از توفیق خوبی برخوردار بوده است.

در پایان بر خود لازم میدانم از تلاش محقق عزیز؛ و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعینژاد (معاونت پژوهشی)، اسدالله طوسی (مدیر گروه تربیت و مشاوره) و حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و سایر مدیران و کارمندان مرکز که در آماده‌سازی این اثر، تلاش مخلصانه نموده‌اند؛ به ویژه از حضرت حجتالاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، مدیر مرکز مدیریت حوزه و مدیر مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه ی علمیه

عید سعید فطر ۱۴۲۳

(۱). سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۰.

(۲). سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.

دیباچه

یا بَیِّ آدَمَ

قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱)

ای فرزند آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را میپوشاند و مایهی زینت شماست و لباس تقوا بهترین است. این از آیات خداست؛ باشد که متذکر شده، پند گیرند. ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. پوشش از تن آنان بر کند و قبايح آنان را در نظرشان پدیدار نمود؛ همانا که شیطان و بستگانش شما را میبینند، در صورتی که شما آنها را نمیبینید. ما شیطان را دوستدار آنان که ایمان نمیآورند، قرار دادیم.

پیشینه ی حجاب و پوشش انسان به اندازه ی تاریخ آفرینش اوست. پوشش و لباس هر انسانی پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که او بر در خانه ی وجودش نصب کرده است و با آن اعلام میدارد که از کدام فرهنگ تبعیت میکند؛ همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی خویش ابراز میکند؛ هر انسانی که به یک سلسله ارزشها و بینشها معتقد و دلبسته است، لباس متناسب با آن ارزشها و بینشها را از تن به در نخواهد کرد. (۲) حجاب و پوشش بارزترین نشانه ی فرهنگی و نماد ملی است که به سرعت تحت تأثیر سایر پدیدههای فرهنگی قرار میگیرد.

هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با

تغییر در پوشش مردم مشخص می‌گردد؛ چنان که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری نیز، در اولین مرحله، از طریق تغییر در پوشش مردم چهره مینماید.

چون استعمار و استکبار نتوانست انقلاب اسلامی ایران را از راه نظامی مهار نماید، اکنون با تغییر تاکتیک و روش، تلاش میکند از طریق فرهنگی، آن را دچار استحاله و تغییر هویت نماید. یکی از روشهای استکبار برای نفوذ فرهنگی، تشکیک و القای شبهه در مبانی دینی مردم است که طی چند سال اخیر شتاب بیش تری گرفته است. (۳)

به اعتقاد ما چون دشمن به فرهنگ ما هجوم آورده است، باید به جهاد فرهنگی با آن برخیزیم؛ و جهاد فرهنگی، سربازان جان برکف جبهه ی فرهنگ و اندیشه ی دینی را به حضور در خط مقدم این جهاد مقدس فرا میخواند؛ از این رو، نگارنده با توجه به توانایی خود تلاش نموده تا در این جهاد فرهنگی شرکت نماید.

چون طرح نوشتار حاضر به صورت پاسخ گویی به پرسشها و شبهات است؛ لذا مناسب است نخست به تفاوت «پرسش» و «شبهه» اشاره گردد.

تفاوت ماهوی و اصلی پرسش و شبهه این است که معمولاً پرسش به قصد یافتن حق و حقیقت و با نیت صادقانه صورت میگیرد، ولی تشکیک و شبهه به قصد گم کردن حق و حقیقت و با نیت غیر صادقانه صورت میگیرد؛ از این رو عقل و نقل، پرسش از افراد صاحب نظر و شایسته را میستاید و به آن توصیه میکند؛ چنان که قرآن مجید می فرماید:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ (۴) اگر نمیدانید از اهل ذکر (علما و دانشمندان) سؤال کنید.

هم چنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرموده‌اند:

العلم خزائن و مفاتيحه السؤال فاسئلوا رحمكم

الله فأنه يوجر اربعة السائل و المتكلم و المستمع و المحب لهم؛ (۵) علم گنجینهایی است و پرسش، کلیدهای آن؛ پس پرسید آنچه را نمیدانید، تا مشمول رحمت خدا قرار گیرید. همانا چهار گروه در ضمن یک پرسش اجر و ثواب دارند: پرسش کننده، پاسخ دهنده، شنونده و دوست دار آن ها.

در مقابل پرسشگری به جا و شایسته، که به آن توصیه شده است، عقل و نقل، آلوده شدن به شبهات و وقوع در آن ها را امری مذموم و ناپسند میدانند؛ همانگونه که انسان از آلودگی جسمی دوری میجوید، باید از شبهات آلوده کننده ی روح و روان نیز اجتناب نماید:

ایاک و الوقوع فی الشبهات؛ (۶) بر حذر باش از قرار گرفتن در شبههها.

نه تنها انسان از وقوع در شبهه منع شده است، بلکه پس از وقوع در شبهات و آلودگی ذهن و دین، انسان به شبهه زدایی و پاک سازی مکلف شده است:

نزهوا ادیانکم عن الشبهات و صونوا انفسکم عن مواقف الريب الموبقات (۷)؛ دین خود را از شبههها پاک و خالص کنید و خودتان را از مکانهای شبههخیز و هلاک کننده حفظ کنید.

ارسله بالدين المشهور... ازاحه للشبهات؛ (۸) امیرمؤمنان امام علی (ع) یکی از اهداف و رسالت های دینی پیامبر اکرم (ص) را از بین بردن شبهات ذکر کرده است.

در حدیثی دربارهی وجه تسمیه و علت نامگذاری شبهه آمده است:

انما سمیت الشبهه شبهه لانها تشبه الحق؛ (۹) شبهه را به این علت شبهه میگویند که حق نیست، ولی به حق شباهت دارد.

شبهه باطلی حقنماست که تناسب جزئی و مقطعی در آن رعایت شده است؛ به گونهای که جلوه ی تناسب فرعی، چشم افراد دارای آگاهی اندک را خیره نموده، باعث میشود آن

را حق بدانند؛ ولی به دلیل عدم رعایت تناسب اصلی و محوری در حوزه ی باطل قرار دارد. میزان تأثیر شبهه به مقدار هماهنگی درونی و بیرونی آن بستگی دارد؛ هر چه شبهه به مرز حق نزدیکتر باشد، شمار بیش تری را گرفتار میکند و باعث اشتباه دیگران و در دام افتادن آنان میگردد. (۱۰)

در سال های اخیر، روند شبهات درباره ی حجاب شدت یافته است. برای تصدیق این مدعا کافی است به مقالات مطبوعاتی و نمایه های آن مراجعه گردد. مطرح کردن شبهات فراوان در زمینه ی حجاب برتر به همراه عوامل دیگر؛ مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از حجاب اسلامی و ضرورت آن و... موجب افت روند استفاده از مصادیق حجاب برتر در جامعه شده است، که نتیجه ی اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات، رواج پوشش های نامناسب، مانند لباسهای نازک، کوتاه و رنگین در بین دختران و زنان جوان در مقابل نامحرمان است؛ چون یکی از عوامل مهم سلامت روحی و روانی جامعه ی اسلامی، روی آوردن بانوان به مصادیق حجاب برتر است؛ لذا سعی نگارنده، پاسخگویی به شبهات مهم درباره ی حجاب برتر است. سنگ بنای تمام مطالب طرح شده در نوشتار حاضر، این است که پوشش انسان، خصوصاً بانوان، دارای حداقل و حداکثر است؛ و از مجموع آموزه های اسلامی به روشنی استفاده میشود که اسلام مشوق و طرف دار حجاب و پوشش حداکثر برای زنان و دختران در مقابل نامحرمان است.

ادعای فوق با استناد به آیات و روایات، و حجاب و پوشش بیشتر و برتر فاطمه ی زهرا(س) به راحتی اثبات می شود. قرآن کریم میفرماید:

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ

بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (۱۱) و زنان سال خورده که از ولادت و عادت باز نشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست، اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های رویی خود نزد نامحرمان از تن برگیرند و اگر باز هم عفت و تقوای بیش تر گزینند، بر آنان بهتر است.

در آیه ی فوق خداوند نخست به زنان سالمند اجازه داده است در مقابل نامحرم، بعضی لباسهای رویی و بیرونی _ که در روایت معتبر به جلباب (چادر) تفسیر شده است _ (۱۲) را از خود برگیرند؛ ولی در آخر آیه میفرماید: حتی اگر زنان پیر نیز در مقابل نامحرم، چادر خویش را بر زمین نگذارند و عفت ورزند، برای آنان بهتر است؛ بنابراین، از آیه ی مذکور به روشنی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر، حتی برای زنان سالمند استفاده میشود، تا چه رسد به زنان و دختران جوان، که احتمال تعرض افراد لایابالی و فاسد نسبت به آنان بیش تر است، و به طریق اولی مطلوبیت حجاب و پوشش بیشتر برای آنان اثبات میگردد.

علاوه بر این، در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

يا ايها الناس اتخذوا السراويلات فانها من استر ثيابكم و حصّوا بها نسائكم اذا خرجن؛ (۱۳) ای مردم از شلوارها برای پوشش استفاده کنید؛ زیرا از پوشاننده ترین لباس ها هستند و زنان خود را هنگامی که از منزل خارج می شوند از طریق استفاده از شلوار حفظ کنید.

در روایت فوق عبارت «استر ثيابكم و حصّوا بها نسائكم اذا خرجن» به خوبی دلالت بر مطلوبیت پوشش کامل زنان در خارج از منزل مینماید.

علاوه بر این، امیر مؤمنان امام علی (ع)

در روایتی، حجاب و پوشش کامل زنان را باعث حفظ عفت و پاکی آنان دانسته‌اند:

«ان شده الحجاب ابقی علیهن» (۱۴)

هم چنین قرآن کریم، استفاده از شکل‌های حجاب دارای پوشش بهتر و بیش تر، مثل خمار (۱۵) (مقنعه) و جلباب (۱۶) (چادر) را توصیه نموده است. فاطمه ی زهرا (س) نیز هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد، برای دفاع از فدک، از همین حجاب‌های قرآنی استفاده کرده‌اند. (۱۷)

آنچه ذکر شد، شواهد و قراین مستحکم و روشنی است که مطلوبیت حجاب و پوشش اکثر و بیشتر را برای بانوان و دختران جوان اثبات مینماید. (۱۸) با توجه به برخورداری حجاب و پوشش از مقدار حداقلی و حداکثری و مطلوبیت حجاب و پوشش اکثری، خصوصاً برای زنان و دختران جوان آشکار خواهد شد که دفاع از پوشش‌هایی، مانند لباس ضخیم، بلند و دارای رنگ سنگین، مقنعه، چادر مشکی و غیره در نوشته‌ی حاضر، به این دلیل است که این گونه لباسها و حجابها، مصادیق و نمونه‌های حجاب و پوشش بیش تر و بهتر برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم به شمار می‌آیند.

همان خداوندی که برای مصون ماندن جسم از ورود میکروبها در اعضای بدن انسان، حجابها و حفاظهای طبیعی، مانند پوست بدن، پلک چشم، و... قرار داده است، به عنوان طیب روحانی، برای جلوگیری از آلودگی روح و روان انسان به گناه، و حفظ پاکی آن، حجابها و حفاظهایی را به شکل دستورهای الهی و انجام واجبات و ترک محرمات قرار داده است.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

یا عبادالله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب فصلاح المرضی فیما یعلم الطیب و یداوی به لا فیما یشتهیه المریض و یقترحه الا

فَسَلِّمُوا لِلَّهِ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ؛ (۱۹) ای بندگان خدا، شما همانند انسانهای بیمار، و پروردگار جهان همانند طیب است، پس خیر و صلاح انسانهای مریض در گوش دادن به علم و تدبیر طیب است، نه پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی و آنچه پیشنهاد می کند؛ متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید.

تسلیم شدن در مقابل دستورهای خداوند به وجود آورنده‌ی حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است:

وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ (۲۰)

و بدون تردید، لزوم حجاب و پوشش، یکی از مهم ترین واجبات الهی برای زنان و تأمین کننده ی عفت و تقوای آنان است. تقوا در فرهنگ اسلامی یک حجاب و مانع درونی و باطنی در مقابل گناه است که آثار آن در رفتار ظاهری و بیرونی تجلی میابد. تقوا والاترین ارزش اسلامی و ملاک سنجش ارزش انسانها نسبت به یکدیگر است:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (۲۱)

چون تقوا دارای درجات و مراتب مختلف است، قرآن انسانها را به کسب مراتب و درجات بالاتر آن تشویق نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ. (۲۲)

اگر تقوا را دارای سه درجه ی «حداقل»، «حد وسط» و «حداکثر» بدانیم، از دو واژه ی «اکرم» و «اتقی» در آیه ی فوق، که افعال تفضیلی اند، به روشنی استفاده میشود که در فرهنگ اسلامی، تحصیل حداکثر تقوا مطلوب است؛ بنابراین، نمیتوان به حد متوسط تقوا راضی شد و افراط و زیاده روی در آن را مذموم دانست؛ زیرا برای رشد و تعالی، که به وسیله ی تقوا حاصل میگردد و هدف خلقت انسان است، نمیتوان حد و مرزی را تعیین نمود؛ در نتیجه حجاب و

پوشش زنان نیز از جمله اموری است که حداکثر آن مطلوب و راجح است؛ زیرا حجاب و پوشش نقش مهمی در ایجاد عفاف و تقوا دارد.

پس از توضیحات فوق که به منزله‌ی شالوده و سنگ بنای فصلهای نوشته حاضر می‌باشد شایسته است توضیح مختصری درباره‌ی ویژگیهای این اثر ارائه گردد.

ویژگیهای نوشتار حاضر

۱. برای پاسخ گویی به شبهات، از روش پرسش و پاسخ که در قرآن نیز فراوان به کار رفته، (۲۳) استفاده شده است.

۲. تاکنون درباره‌ی پاسخ گویی به شبهات و سؤالات حجاب، کتاب‌های بسیار خوبی، مانند کتاب ارزشمند مسئله‌ی حجاب استاد مطهری، نگاشته شده است؛ ولی چون گذشت زمان باعث می‌شود که درباره‌ی مسائل مختلف و از جمله مبانی دینی حجاب، پرسشها و شبهات جدیدی مطرح گردد؛ از این رو، در این اثر پرسشها و شبهات جدید حجاب مورد توجه قرار گرفته است. برای دست یابی به پرسشها و شبهات نو، علاوه بر مراجعه به روزنامهها و مجلات، که معمولاً منعکسکننده‌ی شبهات جدید و روزمره هستند، به کتاب‌هایی که به نحوی پاسخ شبهات حجاب را مطرح کرده‌اند نیز مراجعه شده است، تا از ذکر مطالب تکراری پیش‌گیری شود.

۳. علاوه بر شبههها، بعضاً پرسشهای مهم و متناسب نیز مطرح و پاسخ گفته شده است؛ البته با توجه به تفاوت ماهوی ذکر شده برای پرسش و شبهه، موارد آن دو به گونهای متمایز شده‌اند.

۴. احتمالات مختلف هر پرسش و شبهه، تا حد مقدور، کالبد شکافی شده و پاسخ هر یک از آنها بیان گشته است، تا اولاً در ذهن مخاطب ابهامی نسبت به پرسش و شبهه‌ی طرح شده باقی نماند؛ و ثانیاً باعث افزایش دقت علمی و موشکافی

مخاطبان و افزایش توان پاسخ‌گویی آنها در مواجهه با پرسش‌ها و شبهه‌های دیگر گردد.

۵. تمام شبهات، با ذکر مشخصات و سند و مدرک طرح شده است، تا برای افرادی که به دنبال کشف حقیقتاند، ولی تردید دارند که بعضی از مطبوعات در هجوم فرهنگی غرب، پایگاه دشمن قرار گرفته‌اند نیز آشکار گردد که چگونه امروز عده‌ای از طریق فرهنگی و با سلاح قلم و ابزار مطبوعات، مقاله و کتاب، قلب و ذهن پاک جوانان این مرز و بوم را با روش تبلیغات القایی منفی مورد هدف قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند تا از طریق غذای روحی و فکری مسموم، مبانی فکری و عقیدتی آنها را متزلزل نمایند.

۶. علاوه بر استفاده از تحلیلهای عقلی، از ادله‌ی نقلی و آیات و روایات نیز فراوان استفاده شده است، تا هم کارآمدی و لزوم هماهنگی عقل و نقل در پاسخ‌گویی به شبهه‌ها، به طور عملی برای مخاطبان ترسیم شود، و هم جوانان عزیز از معارف نشأت گرفته از دو چشمه‌ی جوشان قرآن و حدیث، به طور گسترده سیراب شوند.

۷. به دلیل ارتباط مباحث حجاب و پوشش با مباحث روان‌شناسی رنگ‌ها و روان‌شناسی لباس و تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، سعی شده با استفاده از برخی منابع مربوط، نادرستی عمل بعضی از مطبوعات شبهه افکن که قصد دارند با دادن آب و رنگ علمی به بعضی از شبهات، حجاب برتر را مخدوش کنند روشن گردد.

۸. چون بخش زیادی از شبهات حجاب در سال‌های اخیر، مربوط به مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و مخصوصاً چادر مشکی بوده است، از این رو طبیعی است که قسمت فراوانی از مطالب این کتاب،

به ویژه فصل های دوّم، سوم و پنجم در دفاع از مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و چادر مشکی و اثبات مطلوبیت و برتری این گونه حجاب ها با ادله ی عقلی و نقلی فراوان باشد.

۹. یکی از یافته های پژوهشی جدید این اثر، بحث از هم گرایی و مشابهت های بسیار نزدیک چادر مشکی با جلباب قرآنی است. نگارنده در ضمن تحقیق و پژوهش درباره ی جلباب قرآنی، به قراین و شواهد متعددی دست یافته است که حاکی از شباهت های بسیار نزدیک چادر مشکی و جلباب قرآنی است.

۱۰. سطح مطالب کتاب به گونه ای است که دانش آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان می توانند از آن استفاده کنند.

در پایان یادآور می شوم؛ چنانچه این نوشتار تأثیر مطلوبی در مخاطبان داشته باشد به برکت همراهی آن با کلمات نورانی قرآن و احادیث اهل بیت (ع) است و اگر تأثیر نامطلوبی داشته باشد به خاطر ضعف علمی نگارنده است؛ چون طبیعی است که آثار علمی افراد عادی غیر معصوم، کم و بیش دارای اشکالات و نواقصی است؛ بنابراین، از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم ما را از لطف خود محروم ننمایند و اشکالات و نواقص این اثر را متذکر شوند، تا در چاپ های بعدی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

حسین مهدیزاده

دیماه ۱۳۸۱

(۱). سوره ی اعراف (۷)، آیهی ۲۶ _ ۲۷.

(۲). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

(۳). برای آگاهی از افزایش حجم کمی و کیفی شبهات در چند سال اخیر ر.ک: آزادی یا توطئه، (نگاهی به کارنامه ی مطبوعات شبه افکن).

(۴). سوره ی نحل (۱۶)، آیه ی ۴۳.

(۵). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰. واژه سؤال.

(۶). آمدی، غرر الحکم و

درر الکلم، ص ۷۲، ح ۱۰۸۲.

(۷). همان، ص ۷۳، ح ۱۰۸۵.

(۸). نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه ی دوم، ص ۴۶.

(۹). آمدی، همان، ص ۷۲، ح ۱۰۸۳.

(۱۰). علی اکبر نصرتی، سحر شبه، ماه نامه ی اطلاع رسانی مبلغان، شماره ی ۳، مهر ماه ۱۳۷۷، ضمیمه ی بصائر، ویژه ی خبرگان سوم، ص ۱۴۹.

(۱۱). سوره ی توبه (۹)، آیه ی ۶۰.

(۱۲). عن ابی عبد الله علیه السلام قال: القواعد من النساء لیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن. قال: تضع الجلباب وحده. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۰، حکم القواعد من النساء، ص ۱۴۷، حدیث ۳. درباره ی مفهوم جلباب و هم گرای و شباهت بسیار نزدیک آن با چادر در فصل دوم به طور استدلالی بحث خواهد شد.

(۱۳). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹، واژه ی حجاب.

(۱۴). نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه ی ۳۱.

(۱۵). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۱. (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ).

(۱۶). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۹. (يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ).

(۱۷). طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷-۹۸. (لائت خمارها علی رأسها واشتملت بجلبایها).

(۱۸). علاوه بر ادله ی مذکور، در لابلا ی اثر حاضر با شواهد و قراین زیادی که اثبات کنندگی مطلوبیت حجاب و پوشش بیشتر برای بانوان در مقابل نامحرم است آشنا خواهید شد.

(۱۹). محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۱۳، به نقل از مجموعه ی وزام، ج ۲، ص ۱۱۷.

(۲۰). سوره ی اعراف (۷)، آیه ی ۲۶.

(۲۱). سوره ی حجرات (۴۹)، آیه ی ۱۳.

(۲۲). سوره ی آل عمران (۳)، آیه ی ۱۰۲.

(۲۳). در قرآن کریم، علاوه بر موارد فراوانی که به طور ضمنی، از روش

پرسش و پاسخ استفاده شده، در پانزده مورد نیز به طور صریح از روش پرسش و پاسخ استفاده گردیده است. در این موارد، عبارت «یستلونک» حاکی از پرسش دیگران از پیامبر اکرم(ص) و کلمه ی «قل» مبین پاسخ آن پرسشهاست؛ مثل «یستلونک عن الروح قل الروح من امر ربی»: سوره ی اسراء (۱۷)، آیه ی ۸۵.

فصل اوّل

اشاره

فصل اول این اثر، پاسخ گوی شبهات و سؤالاتی درباره ی مفهوم و ابعاد حجاب اسلامی، رابطه ی حجاب و عفاف، فلسفه ی تشریح حکم حجاب و آثار و فواید حجاب و پوشش اسلامی است.

مفهوم و ابعاد حجاب

نآمفهوم حجاب چیست و از نظر قرآن و حدیث، حجاب و پوشش اسلامی دارای چه ابعاد و اقسامی است؟

؟ حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است(۱). استعمال این کلمه، بیشتر به معنی پرده است(۲). این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش میدهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده میشود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد(۳).

در این نوشتار مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویبی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوهگری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمیتوان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

گاهی مشاهده میکنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگهای شاد و زیبا و تحریک برانگیز استفاده میکنند که به اندامشان زیبایی خاصی میبخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیباییاش آشکار است، گویی که اصلاً لباس نپوشیده است(۴)؛ و این دور از روح حجاب

است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب میتواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً- اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که میتواند از لغزشها و گناههای روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی میکند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شدهاند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (۵)؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (۶)؛ ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (۷)؛ پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونهای راه نروند که با نشان دادن زینتهای خود باعث جلب توجه نامحرم شوند:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (۸)؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده میشود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در

معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

رابطه‌ی حجاب و عفاف

چشم و دل را پرده میبایست اما از عفاف چادر پوسیده بنیاد مسلمانی نبود(۹)

شبهه: بعضی با تمسک به شعر فوق، ادعا نموده‌اند که بین حجاب و عفاف رابطهای نیست؛ عفاف لازم است، اما حجاب لازم نیست. گاه همین مطلب با تمسک به حجاب و پوشش زنان روستایی و زنان شالیزار شمال کشور توجیه میشود که آنها حجاب کامل ندارند، ولی عقیف هستند.(۱۰) آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: قبلاً ذکر شد که حجاب در کتاب‌های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نگهبان، حاجب میگویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص میگردد.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه ی لغوی عفت نیز وجود دارد(۱۱)؛ بنابراین، دو واژه ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛(۱۲) بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب

که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر در مواجهه با نامحرم میگردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه میدهد که بدون قصد تبرّج و خودنمایی، لباسهای رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت میگوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباسهایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است.

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (۱۳)

علاوه بر رابطه ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانهای از مرحله ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار میدهند آشکار میگردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم ترین و

اساسی ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزلهی سنگ بنای دیگر حجابها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده ی رفتارهای اوست.

البته، همانگونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمیتوان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر میشود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامتها و نشانههای عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. (۱۴) بعضی نیز رابطه ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه ی ریشه و میوه دانسته اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه ی عفاف، و عفاف، ریشه ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعابیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب ها کار دارد»، خود را سرگرم می کنند؛ چنین انسانهایی باید در قاموس اندیشه ی خود این نکته ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه ی ناپاک بی حجابی نخواهد شد. (۱۵)

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا؛ (۱۶) زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک

بیرون نیاورد، جز گیاه اندک و کم ثمر.

هدف و فلسفه‌ی حجاب

نآ هدف از تشریح حجاب اسلامی و فلسفه‌ی حجاب و پوشش چیست؟

؟ هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ (۱۷) بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا - مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ ۴

اوست خدایی که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمیدانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند.

از قرآن کریم استفاده میشود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ (۱۸) ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَيُؤْتُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ (۱۹) و هرگاه از زنان رسول متاعی میطلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ

غَيْرِ مُتَّبِرَاتٍ بِزِينَتِهِ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (۲۰) و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند، نزد نامحرمان جامه‌های خود را از تن برگیرند و اگر بازهم عفت و تقوای بیش تر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ (۲۱) ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد میشود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، به مردان نیز دستور به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر آنان حرام کرده است؛ چنانکه از امام رضا(ع) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ؛ (۲۲) نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمیانگیزد و آنان

را به فساد فرا میخواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته.

از مجموع آیات و حدیث فوق به خوبی استفاده میشود که هدف و فلسفه ی وجوب حجاب اسلامی، ایجاد ترکیه ی نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیش گیری از فساد است.

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

اشاره

نآ حجاب و پوشش دارای چه آثار و فوایدی است؟

? حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم ترین فواید آن عبارت اند از:

الف) فایدهی حجاب در بُعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرتهای بیندوبار میان زن و مرد، هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی میبخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمیآورد. غریزه ی جنسی، غریزهای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش تر اطاعت شود بیش تر سرکش میگردد؛ هم چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعلهورتر میگردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بیحیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسی بیش تر شده است، هجوم مردم به مسئله ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالا-تر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایلانند همه ی گرفتاری هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیتهاست؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، از بین میرود.

البته از این افراد باید پرسید؛ آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟! (۲۳)

پاسخ هر انسان واقعین و منصفی به این سؤال این

است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل‌های جدیدتری از تمتعات و بهره‌برداریهای جنسی در آنها رواج و رسمیت مییابد.

یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه‌ی غرب را در مواجهه با غریزه‌ی جنسی اینگونه توصیف کرده است:

کسانی می‌گویند مسئله‌ی غریزه‌ی جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!! (۲۴)

(ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده میگردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، اینگونه بیان کرده است:

در جامعه‌های که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه‌ی خانواده را میسوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن میزند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیدا است که اندک‌اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست میدهد و روی در خزان میگذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و

وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوانتری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه‌های می‌دهد؛ و این مقدمه‌های میشود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه ی خواهران جوان لابد میدانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد میدانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی‌طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد میکنند. (۲۵)

ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه میگردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه‌های محرّک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش مییابد. برخلاف نظامها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذتجویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، (۲۶) اسلام میخواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از اینگونه لذتها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود (۲۷).

د) فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، میتواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط اینکه خود چادر مشکی دست خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده میگردد، به گونهای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند.

یکی از دانشجویان محجبه درباره ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است:

یادم می‌آید آن وقت‌ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر

نمی شدم فردا بیوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بیوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم ها سلب کرده بود. (۲۸)

علاوه بر فواید یاد شده، به طور فهرستوار فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش میتوان نام برد، که مهمترین آنها عبارتند از:

— حفظ ارزشهای انسانی؛ مانند عفت، حیا و متانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی.

— هدایت، کنترل و بهرهمندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی.

— تأمین و تضمین سلامت و پاکی نسل افراد جامعه. (۲۹)

پی نوشتها:

(۱). جوهری، صحاح اللغة، الحجاب: الستر؛ فیومی، المصباح المنیر، حجه حجیباً من باب قتل: منعه و منه قیل للستر الحجاب لانه یمنع المشاهده.

(۲). در قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است.

(۳). استاد مطهری، مسئله ی حجاب، ص ۷۸.

(۴). علامه سیدمحمدحسین فضل الله، مجله ی پیام زن، «جوانان، ورزش و حجاب» شماره ی ۷۴، ص ۱۹.

(۵). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۰.

(۶). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۱.

(۷). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۳۲.

(۸). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۱.

(۹). پروین اعتصامی، دیوان شعر، ص ۱۵۴.

(۱۰). کیهان لندن، ۱۱/۳/۱۳۷۴.

(۱۱). الف) العفه: الکفّ عما لا یحلّ و لا یجمل؛ ابن منظور، لسان العرب، واژه ی عَفَّت.

ب) العفه: حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوه، راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، واژه ی عَفَّت.

ج) عَفَّ عن الشيء: امتنع عنه؛ فيومي، المصباح المنير، واژه ی عَفَّت.

(۱۲). ر. ك: خسرو باقری، «نگاهی دوباره

به تربیت اسلامی»، بحث ویژگی‌های عمومی انسان، ص ۶۶ - ۷۳.

(۱۳). سوره ی نور، آیه ی ۶۰؛ این که ثیاب در آیه ی شریفه را به چادر معنا کردیم، به علت روایات متعددی است که آن را به جلباب تفسیر کرده است. و در مباحث آینده آشکار خواهد شد که جلباب به معنای چادر است. برای آشنایی با روایاتی که ثیاب در آیه ی شریفه را به جلباب تفسیر کرده‌اند، ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۰، باب القواعد من النساء.

(۱۴). ر.ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش ۱۷ (فمینیزم) و ناهید طیبی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره» مجله ی پیام زن، ش ۹۵ و ۹۶. مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، مجله ی حدیث زندگی، ویژه ی عفاف. شماره ی ۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

(۱۵). ناهید طیبی، «حجاب و عفاف مروری دوباره»، مجله ی پیام زن، شماره ی ۹۵، ص ۷۵ (با کمی دخل و تصرف).

(۱۶). سوره ی اعراف (۷)، آیه ی ۵۸. ۴. سوره ی جمعه (۶۲)، آیه ی ۲.

(۱۷). سوره ی حجرات (۴۹)، آیه ی ۱۳.

(۱۸). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۰.

(۱۹). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۳.

(۲۰). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۶۰.

(۲۱). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۹.

(۲۲). مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۴.

(۲۳). برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر.ک: جلال رفیع، یادداشت ها و ره آوردهای سفر نیویورک، در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش.

(۲۴). احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۳۰۲.

(۲۵). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۹-۷۰.

(۲۶). برای آگاهی از گستره ی کشانده شدن لذت های جنسی به محیط های کاری و اجتماع،

و اعترافات صریح بعضی از زنان کشورهای غربی درباره ی مزاحمت های جنسی نسبت به زنان و کودکان، ر.ک: احمد صبوری اردوباری، بهای یک نگاه؛ محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، و روح الله حسینیان، حریم عفاف.

(۲۷). سه بُعد قبل، از کتاب مسئله ی حجاب، استاد مطهری، ص ۸۴-۹۴، (با دخل و تصرف) اقتباس شده است.

(۲۸). ر.ک: احمد اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۲۲.

(۲۹). برای آگاهی بیشتر درباره ی آثار و فواید حجاب و پوشش ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن در نظام اسلامی؛ همچنین درباره ی ضررهای بدحجابی ر.ک: اسدالله محمدی نیا، آنچه باید یک زن بداند، بخش های ۳، ۴ و ۵.

فصل دوم

تاریخچه ی اجمالی حجاب و حجاب زدایی

فصل دوم این اثر پاسخ گوی شبهات و پرسشهای گوناگون، درباره ی علل شکست حرکت های استعماری کشف حجاب و عوامل گسترش حجاب اسلامی و منشأ حرکت های بدحجابی و بیحجابی در کشورهای اسلامی، و ارتباط حجاب، در شکل چادر، با دین و مذهب است.

علل شکست حرکت های کشف حجاب

اشاره

نآ چرا حرکت های گسترده ی کشف حجاب و حجاب زدایی، از سوی عوامل وابسته به استعمارگران، در بعضی کشورهای اسلامی، مثل افغانستان، ترکیه، ایران و... با شکست مواجه شده است؟

؟ حداقل سه علت مهم برای شکست حرکت های حجاب زدایی در کشورهای اسلامی میتوان ذکر کرد:

الف) فطری بودن حجاب

به نظر میرسد که عامل اصلی گرایش انسانها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیا و شرم است.

شرم، یکی از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد، دست کم، بعضی از اندامهای خود را بپوشاند. پروفیسور اسوالد شوارتز، طبیب و روان شناس اتریشی، در کتاب روان شناسی جنسی درباره ی احساس شرم در انسانها مینویسد:

علاوه بر مردم شناسی، تجزیه و تحلیل روان شناسی نیز ثابت میکند که احساس شرم، یکی از صفات عمده ی نوع بشر است.

هیچ قبیله‌ی اولیه‌ای، هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بجهت‌های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و هم‌چنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می‌گیرند افزوده می‌شود. حمایت، وظیفه‌ی مخصوصی است که به عهده‌ی شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت می‌کند... ادعای پیش رفت و مدرنیزم خرقه‌های بر تن بیخبری از ارزش‌های اساسی است؛ و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه‌ی وحشتناکی از این ادعاست. (۱)

علاوه بر مطالعات مردم‌شناسی و روان‌شناسی جنسی، از مطالعات تاریخی نیز استفاده می‌شود که انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است؛ (۲)

و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است. از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده میشود. خداوند در قرآن به انسانها هشدار میدهد که مواظب باشند مبادا همان گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا. (۳)

قرآن همچنین از وسوسه ی شیطان برای برهنگی آدم و حوا خبر میدهد:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا. (۴)

و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن زشتیهای آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر میدهد:

فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ. (۵)

از تعبیر «ینزع عنهما لباسهما» و «لیبدي لهما ما وری عنهما من سواتهما» در آیات فوق به روشنی استفاده میشود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است؛ همچنین از تعبیر «طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده میشود که به دلیل بر خورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند.

البته، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و... در پیدایش تعدد

و تنوع و مدل های مختلف پوشش مؤثر بوده‌اند.

ب) دینی بودن حجاب

حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات می‌باشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد؛ بنابراین، به دلیل شدت وضوح دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش، نیازی به بحث درباره ی آن نیست. (۶) همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت های حجابزدایی، روحانیت و عالمان دینی، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند. در قضیه ی کشف حجاب به وسیله ی رضاخان، عالمان دینی و حوزه‌های علمیه، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند. مواجهه ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات، رساله‌ها و کتاب های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت. مواجهه ی عملی عالمان دینی در تحمل زندانها، شکنجه‌ها و تبعیدها تحقق یافت که یکی از نقطه‌های اوج آن، قصه ی غمانگیز مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است. (۷)

ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیشتر و عمیقتر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش، و رعایت بیش تر حجاب توسط آنها، رابطه ی مستقیمی وجود دارد که نمونه ی بارز آن را در حجاب فاطمه ی زهرا(س) و دیگر زنان اهل بیت(ع) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراضهای افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاکیه‌های مخالفان اهل بیت(ع) میتوان مشاهده نمود. (۸) نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه ی حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجابزدایی استعمارگران در مبارزه ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه(۹) و هم چنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز، قابل توجه است. جلوه‌ی دیگر تأثیر آگاهی زنان بر علیه بیحجابی،

قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است. امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند:

زنهای ایرانی هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمیخواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. (۱۰)

البته مقاومت زنان آگاه و عفیف ایرانی در مقابل نقشه‌های استعمارگران، حتی قبل از واقعه ی کشف حجاب رضاخان نیز سابقه داشته است. یکی از نویسندگان خارجی در تمجید از ایستادگی زنان با حجاب ایرانی در مقابل استعمارگران نوشته است:

دروود و عزت بی حد، به زنان روبسته ی ایران باد. وی به عزم ثابت سیصد زن شجاع اشاره میکند که با چادر سیاه و نقاب سفید، در حالی که بسیاری از آنان در زیر لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمایندگان از تسلیم کشور به بیگانگان احتراز نمایند. به اعتراف این نویسنده ی آمریکایی، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ایران تسامح به خرج دهند و یا تردید نمایند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لاقال اجسادشان گواهی بر شرف ایرانی باشد. (۱۱)

یکی از نویسندگان داخلی نیز درباره ی رابطه ی حجاب و آگاهی زنان و نقش آن در خنثی کردن توطئه‌های استعمار غربی مینویسد:

حجاب مال نسل آگاهی است که به پوشش اسلامی بر میگردد، این نسلی است که با این پوشش اسلامی میخواهد به استعمار غربی و به فرهنگ اروپایی بگوید: پنجاه سال کلک زدی، کارکردی، نقشه کشیدی که مرا فرنگی مآب کنی، من با این لباس به تو میگویم نه، و به تمام پنجاه سال کارت فاتحه میخوانم. (۱۲)

منشأ حرکت‌های بیحجابی و بدحجابی

نبا با توجه به ریشه‌های

فطری حجاب و پوشش، منشأ بعضی حرکت های بد حجابی و بیحجابی در تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟

? اولاً فطری بودن یک مقوله، مانع تأثیرگذاری حرکت های تبلیغی، به نفع یا بر ضرر آن نیست؛ مثلاً دین یک مقوله ی فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکت های تبلیغی انبیا(ع) به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکت های تبلیغی مخالفان انبیا، مثل شیاطین جن و انس شبهه افکن باعث تضعیف و آسیب پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان یک مقوله ی فطری نیز صادق است. همان گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبهه پراکنیها و سمپاشیها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بیندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بیحجابی است؛ و این واقعیتی است که مستر همفر، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است:

در مسئله ی بیحجابی زنان، باید کوشش فوق العادهای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بیحجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیع از میان رفت، وظیفه ی مأموران ما این است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند؛ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان، کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. (۱۳)

فرانتس فانون، درباره ی

نقش حجاب زدایی دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامی الجزایر میگوید:

اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، و در این کار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزایری را بیش تر عریان کرد، چنگال استعمارگر، بیش تر به حلقوم الجزایری فرو رفت؛ اما مجدداً زن الجزایری شخصیت خود را بازیافت و مبارزه علیه مطامع استعمار نیز آغاز گردید. (۱۴)

همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره ی نقش بیحجابی در تشدید حمله ی استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است:

هر چادری که دور انداخته میشود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او میگشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان میدهد. پس از دیدن هر چهره ی بیحجابی، امیدهای حملهور شدن اشغالگر ده برابر میگردد. (۱۵)

علاوه بر نقش استعمار در حجاب زدایی از کشور اسلامی الجزایر، حجاب زدایی در کشورهای اسلامی افغانستان توسط امان الله خان، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصّل و غمانگیزی دارد ۲ که پرداختن به آن، نوشته ی مستقلی را میطلبد.

از آنجا که مخاطب ما بیش تر زنان و دختران فرهیخته و عقیف ایرانی هستند که با آثار فکری و قلمی مواجه اند، مناسب است به نقش بعضی روشن فکران و مطبوعات وابسته، در همفکری و همکاری با حجابزدایی استعمار در قضیه ی کشف حجاب اشاره نماییم.

یحیی دولت آبادی پس از اشاره به وقایع عصر خود مینویسد:

اینک در تهران قانون بانوان تأسیس شده و زنهای روگشوده با مردان معاشرت مینمایند؛ و روزبه روز دایره ی رفع حجاب در تهران و ولایات وسعت میگیرد...؛ پس سد حجاب را در ایران

روزنامه ی آزادی چاپ خراسان، در سر مقاله اش در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۱۴ به ستایش از کشف حجاب پرداخته و روی کار آمدن رضا خان را به ظهور کوکب درخشان در آسمان ایران تعبیر نموده است. (۱۷)

امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، به عنوان شاهدی امین و صادق که خود ناظر اوضاع آن زمان بوده است، نقش بعضی مطبوعات و روشن فکران وابسته را در کشف حجاب چنین توصیف کرده است:

قلمهای مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بیفرهنگ، در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله ی کالایی خواستند در آورند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای آن نیست. هر کس بخواهد شمهای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامهها و مجلهها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضا خان، از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلمهای روشن فکرانه ی آنان؛ و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه ی جهان خواران و جنایتکاران بینالمللی بود. (۱۸)

ثانیاً، اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغهای کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدلهای پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است. مقام معظم رهبری حضرت آیتالله خامنهای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرمودهاند:

عدهای از چادر فرار میکنند به خاطر اینکه هجوم تبلیغاتی غرب دامنگیرشان نشود؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمیآورند، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار

میدهد. تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر میدارند؛ آنها به این چیزها قانع نیستند، بلکه میخواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در اینجا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود. (۱۹)

یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است:

مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که هم چنان به ارزشهای اخلاقی، عفت و شرافت معتقدند، از آداب و رسوم و سنتهای غربی در مسئله ی بیحجابی و خودآرایی تقلید میکنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار میدهد. (۲۰)

رابطهی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی

شبهه: بعضی در دینی و مذهبی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این گونه ادعا کردهاند که «چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد». (۲۱)

در شبههی فوق دو ادعا مطرح شده است که به طور مستقل طرح و پاسخ داده میشود.

ادعای اول: چادر، حجاب دینی و مذهبی نیست.

پاسخ: اولاً، دقت و پژوهش در آیه ی ۵۹ سوره ی احزاب، صحت ادعای مذکور را مورد تردید جدی قرار میدهد. خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛

ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر خود فرو پوشند، که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند؛ بر آنان بسیار

بہتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مہربان است.

«جلایب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب های لغت معتبر، مثل لسان العرب، صحاح اللغه و معجم الوسیط، به «ملحفه» معنا شده است و ملحفه پوششی گسترده است کہ زن خود را در آن میپوشد. (۲۲) قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دید چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده ی آن چیست؟ با اندک تأملی میتوان گفت چادر دارای دو مؤلفه ی اصلی ذیل است:

۱. اندازه ی چادر: پوشش وسیع، کہ از بالای سر تا پایین پای زن را میپوشاند.

۲. کارکرد چادر: پوششی جلو باز کہ از بالای سر، روی لباسهای دیگر پوشیده میشود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور میگردد.

حال باید بررسی نمود آیا جلباب قرآنی کہ در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است، (۲۳) دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، میتوان ادعا کرد کہ جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی بوده است و گرنه نمیتوان چنین ادعایی کرد؛ از این رو، به بررسی دو مؤلفه‌ی اندازه و کارکرد جلباب می پردازیم:

الف) اندازه ی جلباب: تقریباً همه ی کتاب های لغت در این کہ جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاههای کتاب های لغت و تفسیر درباره ی اندازه ی دقیق جلباب متفاوت است. از مجموع کلمات لغویین و مفسرین در مورد اندازه ی جلباب، سه دیدگاه قابل اشاره است:

دیدگاه اول: جلباب پوششی فراگیر بوده کہ از بالای سر تا پایین پا را میپوشاند است. این دیدگاه

از کتابهای لغوی و تفسیری فراوان استفاده میگردد. (۲۴)

دیدگاه دوم: جلباب پوششی بزرگ تر از خمار (مقنعه) بوده که کم تر از مقدار ردا، یعنی تقریباً تا زانوها را میپوشانده است. این دیدگاه از بعضی از کتابهای لغت، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده میشود. (۲۵)

دیدگاه سوم: جلباب همان خمار (مقنعه) است؛ پوششی که فقط سر و سینهها را میپوشانده است. این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست میآید. (۲۶)

ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت میکند که بعضی از آنها عبارت اند از:

شاهد اول: درباره ی پوشش حضرت فاطمه ی زهرا(س) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک این گونه نقل شده است:

لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها. (۲۷)

یعنی فاطمه ی زهرا(س) خمار و مقنعه ی خویش را بر سر و جلباب، یعنی پوششی که شامل و در بر گیرنده ی تمام آن وجود مبارک بود بر تن کردند.

از نحوه ی پوشش حضرت در قضیه ی مذکور دو نکته استفاده میشود:

نکته ی اول: پوشش حضرت در بیرون منزل، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است؛ بر این اساس، نظر طرف داران دیدگاه سوم، مثل راغب اصفهانی در مفردات که جلباب را به خمار معنی کرده است، مخدوش میگردد.

نکته ی دوم: از عبارت «و اشتملت بجلبابها»، به روشنی استفاده میشود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارک، از سر تا قدم ها را فرا میگرفته است؛ بنابراین، نظر طرف داران دیدگاه دوم؛ که قایل بودند جلباب تقریباً تا زانوها را میپوشانده است، مخدوش میگردد.

شاهد دوم: از کتاب های لغوی، مثل مصباح المنیر فیومی که

گفته‌اند: «الجلباب ثوب اوسع من الخمار؛ جلباب پوششی گسترده تر از خمار است»، تباین و مستقل بودن «خمار» و «جلباب» به خوبی استفاده میشود.

شاهد سوم: احادیثی همچون حدیث نبوی (ص) «و لغير ذی محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار» (۲۸) که از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل نام برده است نیز، شاهد بطلان دیدگاه سوم است.

شاهد چهارم: زمخشری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی از ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم (ص) و شاگرد امام علی (ع) نقل کرده‌اند که جلباب پوششی بوده که از بالا تا پایین بدن را میپوشانده است؛ (۲۹) که با این شاهد بطلان دیدگاه دوم اثبات میشود.

حاصل این که اندازه‌ی جلباب قرآنی به مقداری بوده است که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را میپوشانده است.

ب) کارکرد جلباب: برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن، لازم است معنای «ادناء» در آیه‌ی «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» معلوم شود. آلوسی از ابن عباس و قتاده و زمخشری در تفسیر کشاف از ابن سیرین نقل کرده‌اند که مراد از «یدنین» قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه‌های جمع شده‌ی آن در بالای بینی است، (۳۰) که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام میدهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می‌شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلو باز بوده است که واژه‌ی «یدنین» در آیه‌ی شریفه نیز مؤید این مدعاست؛ بنابراین، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی، شبیه چادرهای

امروزی بوده است.

به رغم این که بحث بر سر الفاظ و نامگذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش، شبیه چادرهای فعلی، در صدر اسلام موجود بوده است، ولی با این همه، خوش بختانه در کتابهای واژه‌های قرآنی و کتاب‌هایی که درباره‌ی جلباب بحث نموده‌اند، جلباب به چادر معنا شده است و این مؤید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراک مؤلفه‌ها و عناصر جلباب و چادر، همانند ما، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده‌اند. (۳۱)

ثانیاً، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد، چگونه ممکن است که مراجع تقلید، به عنوان بزرگ‌ترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی کنند، (۳۲) ولی در عین حال، گوینده‌ی محترم بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و مدرکی، ادعا نماید که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟!!

حاصل این که، با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر، از نظر اندازه و کارکرد، می‌توان ادعا کرد که چادر ارتباط وثیقی با دین اسلام و قرآن دارد؛ و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد ابطال می‌گردد.

ادعای دوم: حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است.

پاسخ: اولاً، این ادعا، نیازمند ارائه‌ی سند و مدارک معتبر تاریخی است، اما ایشان سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده‌اند؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، فرض میکنیم ایشان با ارائه‌ی سند و مدارک تاریخی اثبات میکردند که چادر در

زمان قاجار در ایران رسم شده است، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن در نقد ادعای اول و این که به هر حال، چادر یکی از مصادیق پوششی است که تأمین کننده ی حجاب بیش تر و بهتر زنان و لذا مطلوب اسلام نیز هست، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود میبالند، نه این که از آن گلایه مند باشند.

ثالثاً، بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه ی تاریخی که حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر میگردد.

الف) در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر میخوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می پوشاندند؛ (۳۳)

ب) زنان عهد هخامنشی و اشکانی، عموماً چادر بر سر داشته و پیراهنهای بلندی که تا مچ پای آنان را میپوشانده به تن میکردند. (۳۴)

ج) زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر میکردند که تا وسط ساق پا میرسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقابهای نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند. (۳۵)

به این ترتیب، ادعای دوم گوینده ی محترم نیز ابطال گردید و آشکار شد که حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه ی عمیق دینی، دارای ریشه ی عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می شده است.

فصل سوم

اشاره

چارچوب اسلامی حجاب

فصل سوم این اثر، پاسخ گوی شبهات و سؤالاتی درباره ی چارچوب های ارزشی

و دینی حجاب و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مثل چادر مشکی است.

نگاهی اجمالی به شکلهای حجاب قرآنی بانوان

اشاره

شبهه: بعضی با طرح این پرسش که «چه اشکالی دارد در چهارچوب شرعی، هر کس هر جور که خواست لباس بپوشد؟» (۱) خواستهند این شبهه را القا کنند که اسلام، فقط چارچوب کلی برای پوشش بیان کرده است و به صورت جزئی، شکل خاصی از حجاب و پوشش در متون دینی اسلام ذکر نشده است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: از نظر اسلام چارچوب واجب پوشش و حجاب زنان _ که بیش تر مورد چالش و سؤال است _ پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم است، به استثنای صورت و مچ دستها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست؛ البته بعضی از فقهای فعلی، به طور احتیاط و جوی، پوشاندن صورت و دست ها را نیز لازم می دانند؛ (۲) ولی حتی افرادی که پوشاندن آن را واجب نمی دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب آن بحثی ندارند. (۳)

علاوه بر پوشش لباسهای معمولی، مثل پیراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده میکنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احادیث برای تأمین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلیاب» است.

الف) خمار

و لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ (۴) زنان باید سر، سینه، و دوش خود را با مقنعه بپوشانند.

خُمُر جمع خمار، و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان، مثل مقنعه است. (۵) در بعضی تفاسیر، در ذیل آیه ی شریفه، از عایشه نقل شده است:

زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم. وقتی این آیه ی شریفه نازل شد، هر یک از آنها به سمت لباسهای مخصوص خود رفتند و از

آن تکهای جدا کردند و خمار و مقنعه‌های مشکی پوشیدند، گویی بالای سر آنها کلاغ نشسته است. (۶)

از قضیه‌ی ذکر شده استفاده میشود که رنگ خمار و مقنعه در زمان صدور آیه، مشکی بوده است. برای این قضیه، از کتاب های لغت نیز میتوان مؤیداتی ذکر کرد؛ مثلاً از بعضی کتاب های لغت، استفاده میشود در ریشه ی لغوی خمار (خ _ م _ ر) سیاهی اخذ شده است. (۷) به مشروبات الکلی نیز از آن جهت «خمر» اطلاق میگردد که باعث سیاهی و تیرهگی عقل انسان میگردد. مخفی نماند که در آیه ی شریفه ی خمار، نکات تفسیری و ادبی و لغوی فراوانی وجود دارد که مقاله ی مستقلی را میطلبد. (۸)

ب) جلباب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ (۹) ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر فروپوشند؛ که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

همان گونه که قبلاً گذشت جلابیب در آیه ی شریفه، جمع جلباب است و جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیر تمام بدن است، که زنان بر روی لباسهای دیگر میپوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین پوششی چادر گفته میشود. بر اساس تحقیقی که نگارنده انجام داده، بین جلباب قرآنی و چادرهای رایج، از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و حتی رنگ، همگرایی و شباهتهای بسیار نزدیکی وجود دارد. (۱۰)

علاوه بر قرآن که دو شکل

خاص از پوششش فوق را برای زنان در مقابل نامحرم توصیه کرده است، در برخی احادیث نیز چهار پوشش ویژه برای زنان در مقابل نامحرم، به نام پیراهن، مقنعه، چادر، و ازار معرفی شده است.

عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): و لغير ذی محرم اربعه اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار. (۱۱)

فلسفه تفاوت پوشش زن و مرد

شبهه: چرا حجاب زن و مرد تفاوت دارد و چرا باید مقدار پوشش بدن زنان بیش تر از مردان باشد؟ آیا این تفاوت غیر عادلانه و تبعیض آمیز نیست؟ (۱۲)

پاسخ: احکام تشریحی اسلام، متناسب با ویژگی های تکوینی و به منظور تأمین مصالح و دفع مفاسدی است که افراد را تهدید میکند. تفاوت زن و مرد در بسیاری از احکام تشریحی، از جمله حجاب نیز نشأت گرفته از تفاوت های تکوینی آنها است.

تحقیقات علمی در فیزیولوژی و روان شناسی، در باب تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان نسبت به محرک های چشمی حساستر از زنان اند و برعکس، زنان در مقابل محرک های لمسی حساسیت بیش تری دارند. (۱۳)

تحقیقات و تجربی های علمی نشان میدهد که آن اندازه که مرد از نگاه کردن به تن و اندام زن تحریک میشود، زن از مشاهده ی مرد تحریک نمیشود. در روان شناسی جنسی نیز ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرک است، اما در مرد چنین نیست. (۱۴)

دین مقدس اسلام نیز متناسب با ویژگی ها و تفاوت های تکوینی زن و مرد، احکام و تعالیم نورانی خود را تشریح کرده است؛ مثلاً برای حفاظت مردان از مفاسد ناشی از حساسیت بیش تر آنان نسبت به محرک های چشمی شهواتانگیز، آنها را به مراقبت و کنترل بیش تر چشم در

مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. در حدیثی از امام رضا(ع) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَالْيَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ؛ (۱۵) خداوند نگاه کردن به موهای زنان ازدواج کرده و غیر آن‌ها را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهواتانگیز مردان، باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی باعث فساد است.

در مقابل، به دلیل لطافت و حساسیت بیش تر زنان نسبت به محرکهای لمسی، برای حفاظت آنان از مفسد ناشی از این ویژگی، آن‌ها را به حجاب و پوشش بیش تر در مواجهه با مردان نامحرم دستور داده است؛ به گونه‌ای که طبق فتوای مشهور فقها، زنان باید در مقابل نامحرم همه ی بدن، به استثنای وجه و کفین را بپوشانند؛ ولی این مقدار پوشش برای مردان واجب نیست؛ و این حکم اسلام، غیر عادلانه و تبعیض آمیز نیست؛ زیرا متناسب با ویژگی های متفاوت زن و مرد است.

نکته ی دیگری که تبیین کننده ی تفاوت حکم حجاب و پوشش زن و مرد از نظر اسلام میتواند باشد، تفاوت تکوینی و فطری آنها از نظر مقدار حیا و شرم است. در روایتی تصریح شده است: «الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ فَتَسَعُهُ فِي النِّسَاءِ وَ وَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ» (۱۶)؛ حیا و شرم ده قسمت است، که نه قسمت آن در زنان و یک قسمت آن در مردان است. آثار و شواهد تاریخ گذشته و حال پوشش زن و مرد نیز حاکی از این است که معمولاً پوشش زنان بیش تر از مردان بوده است؛ (۱۷) بنابراین، یکی از علل دیگر پوشش بیش تر زنان نسبت به مردان، زیادی حجب و حیا

آنان نسبت به مردان است که در روایت به آن تصریح شده و تجربه و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است.

کیفیت حجاب و پوشی فاطمه زهرا (س)

نا حضرت فاطمه ی زهرا(س) به عنوان بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان، در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، چه نوع حجاب و پوششی داشته‌اند؟

? در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه ی زهرا(س) وقتی میخواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم(ص) بروند، از پوششهای خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده میکردند؛(۱۸) علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه ی زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه ی فدک است. در داستان غمانگیز غصب فدک آمده است: وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش، برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان، شکل خاص حجاب حضرت را این گونه توصیف نموده است:

لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذیولها؛(۱۹) حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه ای که تمام بدن آن حضرت را می پوشاند و گوشه های آن به زمین می رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.

قضیه ی فوق گویای آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم

از آن یاد کرده است.

رنگ جلاباب و چادر قرآنی

نَا چادر و جلاباب قرآنی که حضرت فاطمه زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن استفاده کرده‌اند چه رنگی داشته است؟

؟ قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است و برای عرب زبانان قابل فهم بوده است؛ بنابراین، باید بررسی نمود که زنان صدر اسلام، که نخستین مخاطبان آیه ی جلاباب بوده‌اند، از واژه ی جلاباب چه برداشتی داشته اند و تبادر و سبقت ذهنی آنها از آن چه بوده است. در کتاب سنن ابی داود از امّ سلمه، همسر گرامی پیامبر اکرم(ص) قضیهای نقل شده است که مبین تبادر ذهنی زنان عرب آن زمان است.

وقتی آیه ی جلاباب «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (۲۰) نازل شد، زن های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند، درحالی که پوششهای مشکی داشتند؛ گویی کلاغ بالای سر آنها نشسته است. (۲۱)

در کتاب عون المعبود، شرح سنن ابی داود در توضیح قضیه ی یاد شده، آمده است:

چون پوششهایی که زنان انصار به عنوان جلابیب از آن استفاده کرده بودند دارای رنگ مشکی بوده است، آنان به کلاغ که رنگ آن مشکی است تشبیه شده‌اند. (۲۲)

بعضی از تفاسیر مهم، مانند تفسیر الدر المثور سیوطی، روح المعانی و تفسیر المیزان نیز در ذیل آیه ی جلاباب جریان تاریخی فوق را نقل کرده‌اند. علاوه بر شاهد تاریخی مذکور، که سکوت پیامبر اکرم(ص) در مقابل رنگ مشکی پوشش زنان انصار، نیز دلیل بر تقریر و تأیید آن است، شواهد لغوی فراوانی نیز برای اثبات این مدعا وجود دارد که اساساً در ریشهی لغوی جلاباب رنگ مشکی اخذ شده است؛ زیرا جلاباب در لغت از ریشه ی جُلب است و یکی از معانی جُلب در

بسیاری از کتابهای لغوی معتبر، تیرگی و سیاهی است (۲۳)؛ مثلاً- جُلِب اللیل به معنای سیاهی شب آمده است. ابن منظور، صاحب کتاب لغت معتبر لسان العرب، پس از نقل شعری که بخشی از آن «و جُلِب اللیل یطرده النهار» است تصریح نموده که گوینده ی شعر از جُلِب، سواد و سیاهی را اراده کرده است. (۲۴)

علاوه بر این، در بعضی از کتابهای لغوی معتبر، شواهدی از زبان عربی نقل شده، که جُلِب در آنها به معنای تیرگی و سیاهی به کار رفته است؛ (۲۵) همچنین در برخی از کتاب هایی که درباره ی انواع لباسهای اسلامی نوشته شده اند، جلباب به پوشش گسترده ی مشکی که زن روی لباسهای دیگر میپوشد معنا شده است. (۲۶)

از مجموع شواهد لغوی، تفسیری و تاریخی مذکور، به روشنی استفاده میشود که رنگ جلباب و چادر زنان عرب هنگام نزول آیه ی شریفه، مشکی بوده است؛ بنابراین، میتوان گفت که چادر مشکی منشأ و ریشه ی قرآنی دارد.

حال که ثابت شد چادر مشکی ریشه ی قرآنی و اسلامی دارد، پرسش مهم این است که آیا حکومت اسلامی _ که فلسفه ی وجودی آن اجرای احکام قرآن است و برای تحقق احکام اسلام و قرآن این همه شهید و جانباز تقدیم خدا و قرآن نموده است _ میتواند در مراکز اداری خود، به عنوان مهم ترین مراکز الگوسازی، چادر مشکی را به عنوان حجاب برتر و یکی از ملاکهای گزینش زنان مورد توجه قرار دهد یا خیر؟

پاسخ سؤال فوق مثبت است؛ زیرا پس از اثبات ریشه ی قرآنی و اسلامی برای چادر مشکی، وظیفهی مسئولان یک حکومت قرآنی و اسلامی است که زمینه ی ترویج و تبلیغ عملی آموزههای قرآنی و از جمله استفاده

از چادر مشکی را در مراکز اداری خود فراهم نمایند؛ و حتی هنگام گزینش کارمندان زن، التزام عملی به حجاب قرآنی و اسلامی را به عنوان یکی از ملاکهای گزینش و ارزش یابی مورد توجه قرار دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد پاسخ این پرسش و شبهه که «چرا چادر سیاه در ادارات ملاک ارزشیابی است»، (۲۷) روشن میگردد.

نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی

شبهه: آنگونه که بعضی ادعا کردهاند آیا از روایات میتوان کراهت حجاب تیره، مثل چادر مشکی را اثبات نمود؟ (۲۸)

پاسخ: اولاً، چگونه ممکن است که بر اساس ادلهی طرح شده در مباحث قبلی، رنگ جلاب و چادر قرآنی، همانند رنگ چادرهای رایج فعلی مشکی باشد، ولی بتوان در روایات معصومین (ع) حدیث معتبری مخالف قرآن، درباره ی کراهت استفاده از چادر مشکی پیدا نمود؟ آیا ممکن است اهل بیت (ع) به عنوان بهترین مفسران و شارحان قرآن مجید، در احادیث خود مطلبی خلاف قرآن فرموده باشند؟ پر واضح است که پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا یکی از ملاکهای صحت و سقم احادیث، موافقت و مخالفت محتوای آنها با قرآن است. براساس ملاک یاد شده، فرضاً اگر روایتی درباره ی کراهت پوشش مشکی بانوان وارد شده باشد فاقد ارزش و اعتبار است.

ثانیاً، روایاتی که از ظاهر آنها کراهت سیاهپوشی استفاده میشود، از نظر سند ضعیف اند. فقیه ژرفاندیش، مرحوم صاحب جواهر (۲۹) و مرحوم خوئی (۳۰) نیز به ضعف سندی روایات مورد نظر تصریح کردهاند؛ بنابراین، به دلیل ضعف سند، اینگونه روایات قابل استناد نیستند و نوبت به بررسی دلالت آنها نمیرسد.

ثالثاً، ممکن است ادعا شود به دلیل متعدد بودن روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر کراهت پوشش سیاه دارد؛ و نیز به دلیل این که

ضعف سند روایات در مستحبات و مکروهات، مانند مورد بحث، خیلی مهم نیست، پس میتوان در دلالت آنها بحث کرد.

با فرض صحت ادعای فوق، بر اساس فحص و جست و جوی مفصلی که در احادیث انجام گرفت، حتی یک حدیث دربارهی کراهت پوشش چادر مشکی بانوان نیافتیم؛ (۳۱) بنابراین، همان گونه که مرحوم صاحب جواهر فرموده‌اند، روایات مربوط به کراهت سیاهپوشی، شامل زنان نمیشود. ایشان در کتاب فقهی عمیق و معروف خود نقل کرده اند:

طبق تصریح کتاب های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش سیاه مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس پوشش غلیظتر و بیش تری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است (۳۲) و رنگ مشکی، در مقایسه با رنگهای دیگر، به نحو بهتری پوشش غلیظتر و بیش تر را تأمین میکند. (۳۳)

بنابراین، طبق نقل مرحوم صاحب جواهر، کراهت پوشش مشکی، مختص مردان است.

به دلیل اختصاص کراهت پوشش مشکی به مردان، آن هم در غیر از کفش، عمامه و عبا، حتی یک نفر از فقیهان برجسته ی شیعه به کراهت چادر مشکی زنان فتوا نداده است، بلکه برعکس، بعضی از مراجع تقلید، مثل رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای به عدم کراهت چادر مشکی تصریح کرده‌اند و بعضی نیز، مانند آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله تبریزی بالاتر از عدم کراهت، به برتری حجاب با چادر مشکی فتوا داده و فرموده‌اند:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است. (۳۴)

آیا میتوان از ظاهر بعضی روایات، مثل روایت «پیامبر (ص) از پوشش لباس مشکی، غیر از سه مورد خفّ (نوعی کفش چرمی نازک) عمامه و کسا کراهت داشت»، (۳۵) استفاده نمود که پوشش لباس مشکی به طور مطلق و مشترک برای مرد و زن

اولاً، با فرض چشم پوشی از ضعف سند روایت فوق، تردیدی نیست که اساساً زن و مرد در برخی از موارد، از جمله پوشش و لباس، دارای احکام متفاوتی هستند؛ بنابراین، در خصوص احکام پوشش، نمیتوان به قاعده ی اشتراک زن و مرد در احکام تمسک جست؛ مثلاً جامه ی زربافت و حریر برای زن جایز است، ولی برای مرد جایز نیست (۳۶). مقدار پوشش زنان، طبق نظر مشهور فقها، همه ی بدن به استثنای گردی صورت و دو دست از مچ تا نوک انگشتان است، (۳۷) ولی مقدار پوشش مردان کم تر است؛ حتی از نظر رنگ پوشش نیز، استفاده از لباس احرام سفید برای مردان مستحب است، ولی زنان مجازند، به استثنای بعضی لباسهای خاص مثل حریر محض، با هر لباسی، حتی دارای رنگ غیر سفید محرم شوند (۳۸).

بنابراین، با توجه به احکام ویژه ی بانوان و آقایان در مورد لباس، نمیتوان ادعا نمود که حکم کراهت در روایت فوق مطلق است و به طور مشترک شامل زن و مرد میشود.

ثانیاً، بر فرض بپذیریم که روایت مذکور، مختص بیان حکم رنگ پوشش مردان نیست و شامل زنان نیز میگردد، به دلیل روایاتی که ظاهر آنها کراهت خواندن نماز در لباس مشکی، به استثنای سه مورد است، (۳۹) بعضی از فقها حکم کراهت لباس مشکی را نیز مختص به حالت نماز دانسته اند. (۴۰)

ثالثاً، بر فرض که روایت مذکور عام باشد و به طور مشترک، شامل زنان و مردان و نیز حالت نماز و غیر نماز گردد، باز روایت یاد شده دلالت ندارد بر این که پوشیدن لباس مشکی، مانند چادر مشکی برای زنان کراهت دارد؛ زیرا در روایات متعدد که از نظر مضمون

و محتوا با روایت مورد بحث موافق اند، سه نوع پوشش، به نام های خف، عمامه و کسا از کراهت استثنا شده اند؛ و با توجه به اینکه کسا از نظر لغت، و به قرینه ی حدیث شریف کسا، لباس بلندی است که تمام بدن را فرا می گیرد؛ بنابراین، عبای سیاه برای مردان و چادر مشکی برای زنان کراهت ندارد؛ و به نظر میرسد براساس همین استثنای کسا در روایت مورد بحث، هیچ یک از فقهای برجسته ی شیعه به کراهت پوشیدن چادر مشکی فتوا نداده است؛ بلکه برخی، چادر مشکی را بهترین نوع حجاب دانسته اند.

نَا مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟ پس کدام دلیل سبب میشود در یک جامعه ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم (۴۱)؟

توضیح: پرسش کننده ی محترم با قطعی دانستن حکم کراهت رنگ مشکی به طور مطلق از نظر اسلام، اینگونه القا نموده است که استفاده ی افراد از لباس تیره و مشکی، نوعی تبلیغ فاقد دلیل به حساب می آید. عبارت فوق متضمن دو پرسش است؛ لذا هر پرسش را به طور مستقل پاسخ میدهم.

پرسش اول: مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟

پاسخ: با فرض پذیرش کراهت اجمالی پوشش مشکی در دین اسلام، تردیدی نیست که حکم مذکور برای هر نوع لباس و برای همه ی افراد، اعم از زن و مرد، و برای همه ی زمانها نیست؛ یعنی موارد متعددی از حکم کراهت سیاهپوشی استثنا شده است که مهم ترین آنها عبارت اند از:

الف) عدم کراهت بعضی از پوششهای مشکی خاص. قبلاً نقل شد که پیامبر اکرم (ص) از پوشش مشکی کراهت داشت، مگر در سه مورد: خف (نوعی کفش چرمی نازک)، عمامه و کسا (۴۲).

(لباس بلندی که تمام بدن را می پوشاند و شامل عبا و چادر مشکی بانوان نیز می‌گردد)؛ بنابراین، چند پوشش مشکی استثنا شده، کراهتی ندارند.

ب) عدم کراهت لباس مشکی برای بانوان. تردیدی نیست که در اسلام پوشش زن و مرد از جهات مختلف، مثل نوع، مقدار و حتی رنگ، متفاوت است. همانگونه که قبلاً از مرحوم صاحب جواهر نقل شد، طبق تصریح کتاب های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش مشکی، مختص مردان است، نه بانوان.

ج) عدم کراهت پوشش مشکی در مراسم عزاداری. استفاده از رنگ مشکی در مراسم عزاداری برای زنان و مردان کراهتی ندارد؛ از این رو، سیره ی عملی مردم متدین و حتی غیر متدین، پوشیدن لباس مشکی در این مراسم است. در «سفینه البحار» روایاتی ذکر شده است که بر جواز و مطلوبیت پوشیدن لباس مشکی در مراسم عزاداری دلالت دارد. (۴۳)

با توضیحات فوق آشکار گردید که القای این فکر که کراهت رنگ مشکی در اسلام، یک حکم کلی و صددرصد است، غیر عالمانه و مغالطه‌آمیز است.

پرسش دوم: کدام دلیل سبب میشود که در یک جامعه ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم؟

پاسخ: باید از ایشان سؤال کرد مراد شما از تبلیغ چیست؟

الف) اگر مراد شما تبلیغ نظری و علمی به صورت نوشتن کتاب و مقاله است، در پاسخ می‌گوییم:

اولاً، چنین تبلیغی غالباً در دفاع و پاسخگویی از شبهات و سم پاشی بر ضد انواع حجاب اسلامی مثل چادر مشکی است.

ثانیاً، بر فرض که تبلیغ نظری و علمی، حتی به صورت غیر دفاعی و ابتدایی درباره ی چادر مشکی بانوان زیاد باشد؛ اگر اینگونه تبلیغ مستند به ادله و شواهد قوی و با روش صحیح

انجام گیرد، نباید از آن برآشفته شوید، بلکه اگر آن را قبول ندارید، به طور منطقی و استدلالی میتوانید آن را نقد نمایید.

ثالثاً، ای کاش شما نیز به این پرسش پاسخ میدادید که با استناد به چه دلیلی در جامعه‌ی اسلامی به تبلیغ لباسهای نازک، کوتاه و رنگارنگ برای بانوان و دختران اقدام میکنید؟ متأسفانه در اغلب مقالاتی که به تبلیغ لباسهای مذکور پرداخته میشود، به جای برخورد اثباتی، یعنی ترویج و تبلیغ لباس مورد نظر خود با دلیل و منطق، غالباً از طریق سلبی، یعنی تخریب حجاب برتر، مثل چادر مشکی اقدام میشود. (۴۴)

ب) اگر مراد شما از تبلیغ، تبلیغ عملی چادر مشکی در سطح جامعه است، باید گفت که به دلیل برخورداری حجاب مذکور از حمایت ادله‌ی عقلی و نقلی، اینگونه تبلیغ هیچ منع عقلی و شرعی ندارد. با دقت در پاسخ فوق، نادرستی این سخن که چرا کسی برای این سؤال که چرا تیره پوشی تبلیغ و ترویج میشود پاسخی ندارد، (۴۵) نیز آشکار میگردد.

شبهه: برخی با این عبارت که «در سالهای نخست انقلاب اسلامی، بیش تر خانمها از چادرهای رنگ روشن و گلدار استفاده میکردند که پوشش خوب و کاملی نیز بود»، (۴۶) خواستهایند این شبهه را القا کنند که چادرهای زنان در سالهای نخست انقلاب واجد چهارچوب شرعی بوده است. آیا ادعای مذکور درست است؟

پاسخ: اولاً، بر فرض بپذیریم که خانمها در اول انقلاب از چادرهای گلدار و رنگ روشن استفاده میکردند، مگر هر کاری که در سالهای نخست و پرتلهاب انقلاب _ که به طور طبیعی به دلیل مسائل روزمره و پیچیده‌ی انقلاب، فرصت تبیین و تعمیق مبانی دینی وجود نداشته است

— توسط بانوان انجام شده است، شرعاً خوب و قابل دفاع است که اکنون پس از بیست سال، عمل کرد آن زمان، ملاک و معیار و حجت شرعی باشد؟ (۴۷) روشن است که عمل مقطعی عده‌ای از زنان در سالهای نخست پر التهاب انقلاب، شرایط سیره‌ی متشرعه را ندارد تا قابل پذیرش باشد؛ و از این رو، نمیتوان به آن استناد نمود؛ زیرا استفاده‌ی زنان از چادر رنگارنگ و گلدار در مواجهه با نامحرم، در صورتی که باعث جلب توجه نامحرم و تحریک مردان گردد، مخالف حجاب مورد قبول قرآن و سیره‌ی عملی فاطمه‌ی زهرا(س) و زنان انصار است، که در بیرون منزل از جلباب و چادر مشکی استفاده میکردند.

ثانیاً، داوری در باب پوشش خوب و کامل و شرعی، مسئله‌های دقیق و پیچیده و تخصصی است که کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی، یعنی فقها و مراجع تقلید باید در مورد آن اظهار نظر نمایند (۴۸)؛ همانند مسائل پزشکی که اموری تخصصیاند و افراد غیر متخصص در پزشکی، عقلاً و شرعاً مجاز به اظهار نظر درباره‌ی آنها نیستند.

پی‌نوشتها:

(۱). کتابیون میر شفیع، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون سوم.

(۲). به استفتاءات پایان کتاب مراجعه گردد.

(۳). مرتضی مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله‌ی حجاب، ص ۱۳.

(۴). سوره‌ی نور (۲۴)، آیه ۳۱.

(۵). الخمار: ثوب تغطی به المرأه راسها والجمع خمر فیومی، المصباح المنیر؛ هم چنین در مجمع البحرین طریحی، ذیل واژه‌ی خمر آمده است: قوله فلیضربن بخمرهن، ای مقانعهن. خمر جمع خمار و هی المقنعه؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۷، ص ۴۳؛ بانو امین، تفسیر مخزن العرفان، ج ۹، ص ۱۰۵، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی

۳۱ نور، (آیه ی خمار).

(۶). «ما رأیت نساءً خيراً من نساء الانصار لما نزلت هذه الآیه قامت کل واحده منهنّ الی مرطها المرحل فصعدت منه صدعه فاخرمن، فاصبحن کأنّ علی روسهنّ الغربان»: زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۳۱، ذیل آیه ی شریفه ی ۳۱ سوره ی نور. حدیث مذکور، با الفاظ و تعابیر مختلف در کتاب های متعدد، اهل تسنن آمده است؛ از جمله: صحیح البخاری، شرح العسقلانی، ج ۸، ص ۴۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۸۴، ذیل آیه ی شریفه ی خمار و المفصل فی احکام المرأه و البيت المسلم فی الشریعه اسلامیه، ج ۳، ص ۳۲۰.

(۷). المختمره من الضأن: السوداء و رأسها ابيض و من المعز ايضاً: خلیل، العین، ذیل ریشه ی خمر و الخمری من الالوان؛ الاسود الضارب الی الحمرة کلون الخمر الاسود: شرتونی، اقرب الموارد، ذیل ریشه ی خمر.

(۸). برای پی بردن به بعضی از نکات ر. ک: سید حسن مصطفوی، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» ذیل ریشه ی خمر.

(۹). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۹.

(۱۰). برای آگاهی بیش تر ر. ک: «نقد ادله مخالفین چادر مشکی» روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ماه ۷۹.

(۱۱). طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۵.

(۱۲). مقاله «آزادی و برابری زن در اسلام»، نشریه ی آوای زن، شماره ی ۲۱.

(۱۳). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۳، به نقل از: «تفاوتهای زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روانشناسی»، دکتر محمود بهزاد، مجله ی نگین، شماره ی ۱۳۴، تیرماه ۱۳۵۵.

(۱۴). غلامعلی حداد عادل، همان، ص ۶۴، به نقل از کتاب:

the psycholojy of clothes، ص ۱۰۷.

(۱۵). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۰، روایت

(۱۶). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۷۰، واژه ی حياء.

(۱۷). سيد مهدی قانع، «انسان، پوشش و ريشه‌های تاريخی»، مجله ی پیام زن، شماره ی ۱۹، ص ۶۸.

(۱۸). صدوق، علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۳: «فتجلیت بجلبابها و تبرقت ببرقعها و ارادت النبي (ص).»

(۱۹). طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

(۲۰). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۹.

(۲۱). لَمَّا نزلت هذه الآية «يدنين عليهن من جلابيهن» خرج نساء الانصار كأنَّ على رؤسهن الغربان من اكسيه سود يلبسنها: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲.

(۲۲). عون المعبود، شرح سنن ابی داود، ج ۱۱، ص ۱۵۹.

(۲۳). به عنوان نمونه ر. ك: لسان العرب، القاموس المحيط، اقرب الموارد، منتهی الارب فی لغه العرب، محيط المحيط، معجم الوسيط ذیل ريشهی جلب.

(۲۴). لسان العرب، ذیل ريشه ی جلب.

(۲۵). العين خليل و تاج العروس زيیدی، ذیل ريشه ی جلب.

(۲۶). الجلباب: كساء اسود تلبسه المرأه فوق ثيابها، الخطيب العدناني، الملابس و الزينه فی الاسلام، (فی اسماء و انواع الملابس القديمه و الحديثه)، ص ۱۹۰.

(۲۷). فاطمه خاتمی، روزنامهی ایران، شماره ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۷۹، ص ۴.

(۲۸). فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، شماره ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۷۹، ص ۴.

(۲۹). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام، ج ۸، ص ۲۳۳.

(۳۰). ابوالقاسم خویی، شرح عروه الوثقی، کتاب الصلاه، ج ۱، مکروهات لباس مصلى.

(۳۱). برای آشنایی با این روایات ر. ك: فروع کافی، ج ۲، کتاب الصلاه باب اللباس الذی تکره الصلاه فيه و ما لا تکره، ص ۳۹۷، و کتاب الزی و التجمل باب لبس السواد، ص ۴۴۹؛ وسایل الشيعه الى تحصيل مسائل

الشریعه، ج ۳، کتاب الصلاه، ابواب لباس مصلی و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، کتاب الصلاه، ابواب لباس مصلی.

(۳۲). بعضی از روایاتی که شارع مقدس در آنها پوشش غلیظ را در مواجهه با نامحرم خواسته و از پوشیدن لباس نازک نهی کرده است در زیر ذکر میشود:

(الف) عن امیرالمؤمنین (ع): من رَقَّ ثوبه، رَقَّ دینه؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۱، و ج ۳، ص ۲۴۹.

(ب) عن ابی عبد الله علیه السلام قال: لا یصلح للمرأة المسلمه ان تلبس من الخمر و الدروع ما لا یواری شیئا؛ الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ابواب لباس مصلی، باب ۲۱، حدیث ۲.

(۳۳). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۸، ص ۲۳۵.

(۳۴). مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، ص ۳۵، ۳۶ و ۳۸؛ ویژه نامه ی فرهنگ اسلام، بهار سال ۱۳۷۹، ص ۷۰؛ همچنین ر. ک: استفتائات آخر کتاب.

(۳۵). کان رسول الله (ص) یکره السواد الا فی ثلاث: الخف و العمامه و الکساء ر. ک: محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، روایت ۱.

(۳۶). ر. ک: توضیح المسائل مراجع تقلید، شرایط لباس نمازگزار؛ همچنین کتاب «احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان» مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید، ص ۵۲ و ۵۷.

(۳۷). همان، صفحه ی ۶۲ _ ۶۳.

(۳۸). صدوق، المقنع، ص ۲۲۹، و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱.

(۳۹). روی لا تصل فی ثوب اسود فأما الخف او الکساء او العمامه فلا بأس؛ شیخ کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۴۰۳.

(۴۰). الطباطبایی الیزدی، العروه الوثقی،

کتاب الصلاة، ص ۲۰۱، و شهید اول، الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۱۴۷.

(۴۱). گیو نمازی، روزنامه ی نوروز، ۱۸/۴/۸۰، ص ۸ ستون چهارم.

(۴۲). کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، روایت ۱.

(۴۳). محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷، واژه ی سواد، و علی ابوالحسنی، سیاه پوشی در سوگ ائمه ی نور.

(۴۴). گیو نمازی، روزنامه ی نوروز، ۱۸/۴/۸۰، ص ۸ ستون اول.

(۴۵). همان.

(۴۶). فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، ۲ / ۷ / ۷۹، ص ۴.

(۴۷). البته مخفی نماند که در حال و هوای اوایل انقلاب که زنان پس از دهها سال بیحجابی زمان طاغوت، تازه به دوران انقلاب اسلامی قدم گذاردند، رعایت همان نوع و مقدار از حجاب نیز از سوی آنان قابل تقدیر است ولو اینکه حجاب آنها در حد حجاب شرعی برتر نبوده است.

(۴۸). در پیوست آخر کتاب، تعدادی از نظرات مراجع تقلید را به عنوان کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی حجاب و لباس آورده‌ایم.

فصل چهارم

اشاره

تعارض‌نمایی حجاب و آزادی

فصل چهارم این نوشته به کالبدشکافی و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسشهایی درباره ی رابطه ی آزادی و لباس و حق انتخاب پوشش توسط افراد، و برخی محدودیتهای معقول و مشروع در امر حجاب و پوشش پرداخته است.

رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها

شبهه: محدودیتها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد و ایجاد عقده و حسرت می‌گردد؟ (۱)

پاسخ: واقعیت این است که محدودیتها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد نمی‌شود، بلکه دقیقاً برعکس، آزادی به معنای نفی محدودیتها، باعث عدم احترام به افراد و انهدام ارزشها میگردد. برای تصدیق این سخن، کافی است نیم‌نگاهی به طرز لباس پوشیدن افراد در قسمتهای مرفه نشین شهرهای بزرگ، مثل تهران بیفکنیم و ببینیم که چگونه این افراد با سوء استفاده از آزادی، ارزشها و هنجارهای دینی مربوط به پوشش اجتماعی را که قانوناً ملزم به رعایت آن هستند، زیر پا

میگذارند و حتی آنها را به تمسخر میگیرند.

اما این که گفته اند محدودیت در لباس، تنها باعث ایجاد عقده و حسرت در افراد می شود، کلامی مبهم است و معلوم نیست مراد گوینده، چه اشخاصی هستند؟ اگر مراد گوینده این است که محدودیتها در مورد لباس زنان و دختران جوان، باعث شکلگیری عقدهها و حسرتهاى جنسى و روانى در پسران جوان میگردد، واقعیت این است که برعکس، آزادی پوشش به معنای نفی محدودیت در لباس بانوان و دختران جوان، باعث انعقاد حسرتها در پسران میگردد، و با اندک تأملی تصدیق میگردد در جامعه‌های که بخش عظیم آن جوانانی هستند که به دلیل شرایط سنی و تحریکات مختلف روانی به وسیله‌ی محصولات آلوده‌ی فرهنگی، مانند بعضی از فیلمها، رمانها و نوارهای مبتذل، در معرض

طغیان غرایز جنسی هستند و از طرفی ازدواج نیز در جامعه بسیار سخت شده است، چگونه ممکن است آزادی پوشش دختران جوان و نفی محدودیت در لباس، باعث شکلگیری عقده‌ها و حسرت‌های روحی و روانی پسران جوان درباره‌ی مسائل جنسی نگردد.

چه زیبا، امام صادق(ع) در روایتی فرموده‌اند:

النظر سهم من سهام ابلیس مسموم کم من نظره اورثت حسره طویلہ؛(۲) نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده‌ی ابلیس است و چه بسیار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولانی می‌گردد.

همین واقعیت در شعر شاعر اینگونه بیان شده است:

زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هرچه دیده بیند دل کند یاد

ولی اگر مراد گوینده‌ی محترم این است که محدودیت در لباس و پوشش بانوان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌هایی در خود دختران می‌گردد؛ چون در آرزوی پوشیدن لباسهای رنگین و مدل‌های مختلف آن ناکام میشوند، در پاسخ می‌گوییم.

اولاً، در فرهنگ اسلامی و قرآنی، زنان نه تنها در استفاده از زینت‌آلات و لباسهای زیبا منع نشده‌اند، بلکه تشویق نیز شده‌اند. جواز استفاده‌ی زنان از لباس زربافت و حریر، از جمله شواهد در نظر گرفتن علاقه‌ی فطری زنان به خودآرایی و زیباگرایی است.

امام باقر(ع) در روایتی فرموده است:

لا ینبغی للمراه ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلاده؛(۳) سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور واگذارد، لااقل گردن بندی به گردن آویزد.

ولی اسلام در کنار توصیه‌ی زنان به خودآرایی، به منظور پاک ماندن محیط اجتماعی، به حجاب و پوشاندن زینتها و زیبایی‌ها و عدم تبرج و خودنمایی در مقابل نامحرم نیز دستور داده است؛ چون نمایش زینتها و لباسهای زیبا

باعث تحریک و تهییج میشود.

و لایب‌دین زینت‌هن الالبعولت‌هن (۴) غیر متبرجات بزینة (۵) و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولی (۶).

ثانیاً، رعایت اندازه و حدود لباس و پوشش، در معدودی از زنان و دختران که در اثر تربیت نادرست، حاضرند برای اشباع غریزه‌ی خودآرایی، زیباییهای ظاهری و باطنی خود را، حتی به مردان نامحرم نیز نمایش دهند، ممکن است عقده‌ها و حسرت‌هایی برای برخی ایجاد نماید، ولی در مجموع، نمیتوان انکار نمود که حجاب، دستوری حکیمانه است که برای سلامت روحی و روانی همه‌ی پسران جوان و حتی زنان، خصوصاً گروهی که اندام و یا لباس زیبا ندارند مفید است. چه زیبا گفته است یکی از زنان مسلمان:

حجاب، حتی از ایجاد عقده‌ها و حسادتها در میان زنان جلوگیری میکند. چرا باید زنی به خاطر این که اندام زیبا ندارد احساس حقارت و کوچکی کند و دیگری به واسطه‌ی داشتن اندام موزون و زیبا به دیگران فخر بفروشد. (۷)

حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس

شبهه: بعضی با این عبارت که «اصلاً مگر ما حق داریم راجع به لباس پوشیدنمان نظر بدهیم؟» (۸) خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که افراد حق اظهار نظر درباره‌ی لباس را ندارند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، واقعاً جای تعجب است؛ با وجود این که برگزاری هماندیشی با حضور جوانان و انتشار نظرهای آنها در سطح عمومی به وسیله‌ی روزنامه، خود بهترین دلیل و شاهد است که جوانان حق اظهار نظر درباره‌ی لباس پوشیدن را دارند؛ لکن معلوم نیست چرا گوینده‌ی محترم به طور غیر واقعی، و به دور از صداقت، با تبلیغ به روش القایی در صدد تلقین وجود زور و فشار درباره‌ی لباس است.

ثانیاً، بدون تردید

گوینده‌ی محترم قبول دارد که اظهار نظر نیز، همانند هر عمل دیگری باید مطابق قاعده و روشمند باشد؛ یعنی اظهار نظر در زمینه‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی مثل مسئله‌ی حجاب، حداقل باید براساس یکی از دو قاعده‌ی عقلایی زیر باشد:

الف) خود فرد در زمینه‌ی که اظهار نظر میکند متخصص و کارشناس باشد.

ب) به نظر متخصصان و کارشناسان، استناد و تکیه کند.

با دقت و مطالعه‌ی اظهار نظرهای افراد شرکت کننده در هماندیشی، به روشنی فهمیده میشود که متأسفانه هیچ یک از دو قاعده‌ی عقلایی فوق در آن رعایت نشده است.

ثالثاً، درباره‌ی اظهار نظر افراد غیر متخصص، مثل جوانان شرکت کننده در هماندیشی مذکور، سه دیدگاه مهم قابل طرح است:

الف) دیدگاه افراطی. دیدگاهی که میگوید افراد غیر متخصص نیز، حتی بدون استناد به نظر کارشناسان و یا حضور آنان در هر مسئله‌ی مهمی حق اظهار نظر دارند. برگزاری هم اندیشی جوانان درباره‌ی لباس، بدون حضور و نظر کارشناسان، و چاپ گزارش آن توسط روزنامه‌ی نوروز، مؤید این است که دیدگاه مذکور مورد قبول گزارش دهنده‌ی محترم و هم فکران ایشان است.

نقد: دیدگاه فوق قابل دفاع منطقی نیست؛ زیرا تردیدی نیست که اظهار نظر افراد ناآگاه درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، بدون استناد به نظر کارشناسان و بدون حضور آنها، باعث طرح نظرات نادرست در اذهان مردم، خصوصاً جوانان میگردد. مهمتر اینکه وقتی اینگونه نظرها در «روزنامه» منتشر گردد، پیامدهای منفی آن چندین برابر است؛ زیرا از مصادیق آشکار تشویش اذهان عمومی است.

ب) دیدگاه تفریطی. دیدگاهی که میگوید افراد به طور مطلق، هرگز حق اظهار نظر درباره‌ی هیچ مسئله‌ای را ندارند.

نقد: این دیدگاه نیز غیر منطقی

است، و قابل دفاع عقلانی نمیباشد؛ زیرا مهم ترین لازمه ی منفی آن، احترام نگذاشتن به شخصیت افراد و تقویت استبداد رأی در جامعه است که امر مردودی میباشد. امیر مؤمنان امام علی(ع) در روایتی تصریح فرموده اند:

من استبدد برأیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها(۹)؛ هر انسانی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک و گمراه می شود؛ و هر کسی که با دیگران مشورت کند، در عقل های آنها شرکت جسته است.

ج) دیدگاه اعتدالی. دیدگاهی که میگوید افراد غیر کارشناس با استناد به نظر کارشناسان یا با حضور آنها، درباره ی مسائل مهم، از جمله لباس میتوانند اظهار نظر کنند. این دیدگاه ایرادهای دو دیدگاه قبل را ندارد؛ بنابراین، دیدگاهی منطقی و قابل دفاع عقلانی است.

ما معتقدیم هماندیشی جوانان درباره ی لباس اگر با مطالعه و تحقیق قبلی و با استناد به نظر کارشناسان و یا با حضور آنان برگزار میگردد، بسیاری از مطالب نادرست مطرح شده(۱۰) با تذکرات و راه نمایهای آنها جرح و تعدیل میشد و فرهنگسازی به مفهوم صحیح و دقیق آن صورت میگرفت.

رابطهی حجاب و فشارهای اجتماعی

شبهه: بعضی با این عبارت که «نگاه ارزشی به رنگ، موجب شده تا افراد کنترلهای محسوس و غیر محسوسی را بر نوع پوشش خود از سوی اطرافیان و محیطهای مختلف احساس کنند»(۱۱) خواستهای این گونه القای شبهه نمایند که نگاه ارزشی از سوی افراد و محافل دینی به حجاب دارای رنگ تیره، مثل چادر مشکی باعث میشود افراد دیگری که از حجابهای غیر مشکی استفاده می نمایند تحت فشار اجتماعی، روحی و روانی قرار گیرند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: این که هنجارها، ارزشها، آداب و رسوم هر جامعه ای یک نوع فشار

روحي و رواني بر افراد مخالف با آن هنجارها وارد مينمايد، اجمالاً مورد قبول است؛ ولي اين مطلب اختصاص به عدم استفاده از چادر مشكي ندارد؛ زيرا اگر يك زن محجبه نيز بخواهد با چادر مشكي وارد يكي از شهرهاي كشورهاي اروپايي _ كه زنان آن جا معمولاً بيحجاب يا بدحجاب هستند و اساساً از چادر مشكي استفاده نميكنند _ وارد شود، يا مثلاً در داخل ايران، زن محجبه‌اي از يك شهر مذهبي با چادر مشكي وارد منطقه‌اي گردد كه غالباً بدحجاب هستند و يا از چادر كم تر استفاده ميكنند، با فشارهاي اجتماعي كه از ناحيه ي محيط بدحجاب بر او وارد ميشود مواجهه است؛ بنا بر اين، وجود اينگونه فشارهاي اجتماعي نشأت گرفته از فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، مختص زنان غير محجبه نيست، بلكه امري عمومي است.

نكته مهم اين است كه نوع پوشش در جامعه ي اسلامي بايد معقول و مشروع و قابل دفاع عقلايي و شرعي باشد. هر فردي بايد با توجه به ملاك ياد شده عمل نمايد و نيز تسليم فشارهاي اجتماعي نامشروع نگردد و به تعبير قرآن، در راه خدا و احكام الهي تلاش كند و از سرزنش ديگران نهراسد:

يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم. (۱۲)

در روايتي از امام كاظم (ع) در دربارهي چشم و همچشمي نكردن و دهنين بودن و تسليم فشارهاي اجتماعي نامشروع نشدن، چنين آمده است:

يا هشام: لو كان في يدك جوزه و قال الناس في يدك لؤلؤه ما كان ينفعك و انت تعلم انها جوزه و لو كان في يدك لؤلؤه و قال الناس انها جوزه ما ضرّك و انت تعلم انها لؤلؤه؛ (۱۳) اي هشام

اگر گردویی داشته باشی و همه بگویند لؤلؤ است سودت ندهد و تو خود میدانی که گردوست و اگر لؤلؤی در دستت باشد و مردم بگویند گردوست، زیانت نرساند و تو خود میدانی که لؤلؤ است.

رابطهی حجاب و پوشش و مسئله آزادی

شبهه: بعضی با این عبارت که «چرا نمیگذارند آن طور که دوست داریم لباس پوشیم» (۱۴) خواسته‌اند این گونه ادعا نمایند که در لباس پوشیدن آزاد نیستند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، برخی عبارتهای گویندهی محترم، مثل این عبارت که «مونا شاهرخی و بهزاد خلیفه، همین لباسی را که پوشیده‌اند دوست دارند» (۱۵) حاکی از عدم صحت ادعای فوق است؛ زیرا عبارت ذکر شده گویای این است که افراد یاد شده همان لباسی را که دوست دارند پوشیده‌اند و در پوشیدن لباس آزاد بوده‌اند.

ثانیاً، واقعیت خارجی، حاکی از لباس پوشیدن افراد براساس ملاک‌های مورد علاقه‌ی خود و با تفاوت بسیار از نظر جنس، مدل و رنگ است که روزانه در کوچه و خیابان نیز با آن مواجهیم، و برخی عبارتهای روزنامه‌ی نوروز نیز تکذیب‌کنندهی ادعای یاد شده است؛ زیرا گزارش دهندهی محترم نیز به یک دنیا تفاوت در لباسهای افراد شرکت‌کننده در همانندیشی که نمونه‌ی کوچکی از یک دنیا تفاوت در لباس پوشی افراد جامعه است تصریح کرده است «به نحوهی لباس پوشیدن‌ها که نگاه میکنی متوجه کلی تفاوت میشوی. مهدی جبرکش را با تیشرت مشکی و شلوار جین میبینی که کنار امیر رسولی با پیراهن چهار خانهای که یقه‌اش را کیب بسته نشسته است. بین لباسهای ملیحه و کتایون یک دنیا تفاوت دیده میشود.» (۱۶)

ثالثاً، اگر مراد گوینده این است که افراد به طور مطلق و بدون

پذیرش هیچ حد و مرزی، هر لباسی را که دوست دارند بتوانند بپوشند ولو مطابق هنجارها و ارزشهای معقول و مقبول جامعه نباشد، پاسخ این است که چنین آزادی مطلق وجود ندارد و به فرض وجود، معقول نیست. موجود نیست، چون ما عملاً مشاهده میکنیم حتی در کشورهایی، مثل فرانسه که میگویند مهد آزادی است چگونه از پوشش دلخواه دختران محجبه جلوگیری میکنند، اما معقول نیست؛ زیرا عقل نیز حکم می کند که تمام اعمال و رفتار اعضای جامعه، از جمله لباس پوشیدن، باید تحت ضابطه و قانون مشخص و معقولی انجام گیرد تا آن جامعه در فرهنگ پوشش دچار هرج و مرج نگردد.

رابعاً، اگر در موردی فردی دوست داشته باشد لباس خاصی را بپوشد، لکن خودش با تأمل و دلیل منطقی، یا با تذکر و راه نمایی دیگران، یا حتی تحت تأثیر فشار اجتماعی برآمده از فرهنگ صحیح جامعه و آداب و رسوم مردم، پوشش و حجاب منطقی دیگری را ترجیح داد، شبیه آنچه که در گزارش هماندیشی نیز آمده است «ملیحه رضاخان با اشاره به مقنعه‌اش میگوید حقیقت این است که میخواستم روسری سر کنم، اما فکر کردم شاید این جا (نشست هماندیشی) زیاد خوب نباشد» (۱۷) تردیدی نیست که در این گونه موارد، آزادی فرد سلب نشده است، بلکه فرد بر اساس پذیرش این اندیشه منطقی طرح شده در ضمن هماندیشی «لباس خوب، لباسی است که در عین سادگی، مناسب هم باشد. هر لباسی برای جایی خوب است و باید عرف و فرهنگ را در انتخاب لباس رعایت کرد» (۱۸) بلوغ فکری خویش را به نمایش گذارده و به طور منطقی پذیرفته است که نباید تابع

احساسات و علائق زودگذر بود، بلکه باید بر اساس ملاک و معیارهای معقول و مشروع، به تناسب هر جایی لباسی متناسب با آن را انتخاب کرد؛ و ممنوعیت استفاده از لباس شهرت در احکام نورانی اسلام نیز بر اساس همین نکته است. این عین حریت و آزادی مطلوب است که انسان خودش را از قید و بند شهوت و از جمله شهوت مدپرستی رایج در جامعه آزاد نماید و چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان امام علی (ع):

من ترک الشهوات کان حراً؛ (۱۹) هر کسی که شهوتها و خواهشهای نفسانی را ترک نماید، آزاد است.

سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقولهی حجاب

«دختری که در آرزوی پوشیدن یک بلوز بلند و شلوار گشاد است، نه نامسلمان است، نه بیدین و نه هرج و هرج طلب؛ بد نیست گاهی به صداقت او هنگام نماز هم بیندیشیم»؛ (۲۰) چه مغالطات و سوء استفاده‌های از عواطف مذهبی جوانان در تعبیر فوق صورت گرفته است؟

؟ اولاً، ما نیز قبول داریم که هر دختر جوانی که در آرزوی پوشیدن لباسهای فوق است، لزوماً نامسلمان و یا بیدین نیست، بلکه برعکس، معتقدیم چون زنان به طور فطری و غریزی بیش تر از مردان به خودآرایی و زیبایی خود اهمیت میدهند، در احکام نورانی اسلام که مطابق با فطرت انسان است با تشویق زنان به آرایش و خودآرایی، زمینه‌ی اشباع و پاسخ‌گویی این نیاز زنان به خوبی فراهم شده است؛ ولی اسلام علاوه بر نیاز فطری مذکور، نیاز فطری دیگر زنان به حجاب و پوشش را نیز در نظر گرفته است؛ و چه زیبا در احکام متعالی خویش بین دو نیاز فطری و غریزی زنان، یعنی نیاز به خودآرایی و نیاز

به حجاب و پوشش جمع نموده است. از طرفی زنان را تشویق نموده که از زیورآلات و دیگر پوشش های زیبا استفاده نمایند و از طرف دیگر، به زنان دستور داده است از طریق حجاب و پوشش، از ارائه و نمایش آن به نامحرم و در نتیجه، تحریک روحی و روانی دیگران اجتناب نمایند.

ثانیاً، منکر صداقت جوانان عزیز نمازخوان در موقع نماز نیستیم، بلکه به صداقت آنان میاندیشیم و به آن احترام میگذاریم؛ ولی معتقدیم نباید آن گونه که عبارت گوینده ی محترم القا میکند، عواطف مذهبی جوانان، مثل صداقت در نماز، مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گیرد.

ثالثاً، معتقدیم اگر صداقت در نماز همراه با عفت و نجابت در پوشش مقابل نامحرم نباشد، مقدار صداقت در نماز هم مورد تردید قرار میگیرد؛ زیرا احکام نورانی اسلام احکامی یک پارچه است که باید به تمام آنها مؤمن و عامل بود.

همچنین معتقدیم اعمال صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به گونهای که انجام یک عمل صالح در تشویق انسان به سمت کارهای صالح دیگر و ترک کارهای منکر و ناپسند مؤثر است؛ با این توضیح که مثلاً قرآن نماز را بازدارنده از کارهای ناشایست و نامطلوب معرفی میکند:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (۲۱)

و از طرفی چون قرآن شکل حجاب بیرون از منزل بانوان در مقابل نامحرم را مقنعه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (۲۲) و چادر «يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ» (۲۳) معرفی مینماید؛ بنابراین، پوشیدن بلوز بلند و شلوار گشاد بدون مقنعه و چادر را برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم کاری ناشایست و نامطلوب میدانند؛ زیرا باعث جلب توجه نامحرم و تحریک روحی

و روانی می‌گردد، و روشن است که یک دختر متدین و نمازخوان، کاری که قرآن آن را نامطلوب میدانند، انجام نخواهد داد.

لباس و پوشش و حق انتخاب آن

شبهه: بعضی با این عبارت «سیاه که در اسلام مکروه است. من نمیدانم! مقررات می‌گوید رنگ تیره، جوراب ضخیم، ماتوی بلند و گشاد، آستین بلند، شلوار پارچه‌ای گشاد، همین و همین و همین» (۲۴) این گونه القای شبهه کرده‌اند که مقررات موجود لباسپوشیدن زنان در کشور، خلاف اسلام است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

توضیح: نگارنده‌ی محترم به ناحق در بخشی از یک سناریوی خود ساخته، با قطعی گرفتن کراهت رنگ سیاه به طور مطلق از دیدگاه اسلام به مخاطب این گونه القا نموده که چون در مقررات فعلی، اصرار و اجبار بر استفاده از لباسهای تیره و سیاه است؛ بنابراین مقررات موجود، خلاف اسلام است.

پاسخ: اولاً، واقعیت بیرونی لباس پوشیدن بانوان در سطح جامعه و استفاده از انواع و اقسام جورابه‌های نازک و ماتوهای کوتاه و شلوارهای تنگ با رنگهای بسیار متنوع، حاکی از این است که یا اساساً مقررات یاد شده وجود خارجی ندارد، یا بر فرض وجود، متأسفانه به آن عمل نمیشود؛ ولی به هر حال، نتیجه‌ی هر دو احتمال مذکور واقعیت نداشتن اجبار بر پوشش خاصی است که عبارت گوینده‌ی محترم، به دروغ و به طور غیر واقعی القا کننده‌ی آن است.

ثانیاً، فرض میکنیم ادعای ایشان واقعیت خارجی داشته باشد، همانگونه که قبلاً گذشت حجاب تیره برای بانوان و دختران (در مواجهه با نامحرم) کراهتی ندارد؛ بنابراین، ادعای کراهت لباس تیره و مشکی برای بانوان و دختران اساساً نادرست است؛ اما موارد دیگر، مثل جوراب ضخیم، ماتوی بلند و غیره، چون

در راستای تأمین حجاب بیشتر و بهتر بانوان است، مورد قبول اسلام است؛ لذا مقررات مذکور بر فرض وجود، خلاف اسلام نیست.

شبهه: بعضی با این عبارت که «باید به انسان دنیای امروز اجازه داد که خودش لباس انتخاب کند» (۲۵) خواستهند این شبهه را القا کنند که انسان امروزی در انتخاب لباس آزاد نیست و به او اجازه نمیدهند خودش لباس انتخاب کند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، واقعیت خارجی رفتن افراد، اعم از مرد و زن، دختر و پسر، جوان و غیر جوان به مغازه‌های لباس فروشی و گاهی صرف ساعتها وقت برای انتخاب یک مدل و رنگ خاص، حاکی از این است که افراد در انتخاب لباس آزادند؛ البته طبیعی است که در هر جامعه‌ای به تناسب هنجارها و ارزشهای حاکم بر جامعه، نوع خاصی از لباسها و پوششها در مغازهها وجود دارد که به نحوی انتخاب افراد را محدود میکند، ولی این امر عمومی است و اختصاص به جامعه‌ی ما ندارد.

ثانیاً، در این که انسان موجودی انتخابگر است، تفاوتی بین انسان امروز و دیروز نیست؛ مهم کیفی و ارزشمند بودن انتخاب است. دو شرط زیر در کنار یکدیگر یک انتخاب را کیفی و ارزشمند میکند:

الف) انتخابی که از روی شناخت و آگاهی صحیح و کامل صورت میگیرد.

ب) انتخاب آگاهانه‌ای که منجر به تأمین منافع و مصالح حقیقی انسان، اعم از منافع اخروی، دنیوی، فردی و اجتماعی گردد. در خصوص انتخاب لباس نیز همین دو شرط صادق است.

ثالثاً، فرض کنید دختر جوانی با لباس بسیار نازک و بدن‌نما از منزل بیرون بیاید؛ اگر از او سؤال کنید این چه نوع

لباسی است که پوشیده‌های؟ و او در جواب بگوید لباسی است که خودم انتخاب کرده‌ام؛ آیا عقل سلیم و شرع حکیم چنین اجازه ای به او می دهد که با لباس مذکور وارد جامعه شود و باعث تحریک و تهییج جنسی جوانان گردد؟ ما مطمئن هستیم که پاسخ شما نیز به این سؤال منفی است؛ زیرا شما نیز انسان منطقی و معقولی هستید و چهارچوبهای معقول و مشروع را قبول دارید.

پی نوشتها:

(۱). مرتضی زنده دلان، روزنامه نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

(۲). محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، ص ۵۵۹، حدیث ۱۲.

(۳). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۱۱۴، حدیث ۱.

(۴). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۱.

(۵). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۶۰.

(۶). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۳۳.

(۷). فاطمه هرسن، حدیث هدایت در نشست با چند تن از بانوان غیر ایرانی (اتریشی) اینک دیگر رو به شرق نماز میگذاریم، مجله ی پیام زن، شماره ی ۴۶، دی ماه ۷۴، ص ۲۳.

(۸). گیو نمازی، هماندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

(۹). نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت ۱۶۱، ص ۵۰۰.

(۱۰). ر.ک: مقالهی نگارنده «هماندیشی منطقی با جوانان دربارهی لباس» پاسخ به مقالهی روزنامهی نوروز با عنوان «هماندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن» روزنامهی جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۸۰.

(۱۱). اژدر شهابی، روزنامه ی آفتاب، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶.

(۱۲). سوره ی مائده (۵)، آیه ی ۵۴.

(۱۳). ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۵.

(۱۴). گیو نمازی، روزنامهی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون دوم.

(۱۵). همان.

. همان.

(۱۷). گیو نمازی، هماندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز ۱۸/۴/۸۰ ص ۸، ستون آخر.

(۱۸). همان.

(۱۹). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۵۲، واژه ی حریت.

(۲۰). گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه ی ۸، ستون پنجم.

(۲۱). سوره ی عنکبوت (۲۹)، آیه ی ۴۵.

(۲۲). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۳۱.

(۲۳). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۵۹.

(۲۴). گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه ی ۸، ستون اول.

(۲۵). گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه ی ۸، ستون چهارم.

فصل پنجم

اشاره

کارآمدی چادر و حجاب مشکی

علاوه بر فواید بسیار زیاد فردی و اجتماعی حجاب در شکل چادر، حجاب چادری بانوان در انقلابهای دینی، یک سمبل و نماد مبارزه با اهداف استعماری و استکباری نیز هست. قبلاً در فصل اول کلامی از فرانتس فانون درباره‌ی سمبل و نماد ضد استعماری بودن حجاب چادری زنان در انقلاب الجزایر بر ضد دولت فرانسه نقل شد. به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامی، این سمبل و نماد بودن در مورد حجاب چادری بانوان ایرانی نیز وجود دارد. ریون کرکت (ادوارد شرلی) صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیاه در ایران میگوید: «چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راه به نمایش میگذارد؛ با چادر میتوان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است» (۱) به رغم اینکه دشمنان چنین صریح خشم خود را درباره‌ی چادر اظهار میدارند، متأسفانه عده‌ای در داخل در صدد مخدوش جلوه دادن کارآمدی حجاب در شکل چادر هستند؛ از این رو، فصل پنجم این اثر به بررسی کارآمدی حجاب و پوشش

اسلامی در غالب چادر و چادر مشکی پرداخته است.

مسئله‌ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر

شبهه: بعضی در کارآمدی چادر این گونه شبهه کرده‌اند که «این نوع حجاب دستوپاگیر است.» (۲) آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، گرچه حجاب در شکل چادر رایج ایرانی، ممکن است برای برخی افرادی که از سنین کودکی استفاده از آن را تمرین نکرده‌اند، مقداری مشکل باشد، ولی برای همه‌ی زنان، خصوصاً بانوانی که تجربه‌ی کافی استفاده از آن را دارند مشکل نیست. به همین دلیل اگر از زنان متدینی که از سنین قبل از بلوغ به استفاده از چادر عادت کرده‌اند سؤال شود که آیا استفاده از چادر برای شما دست و پاگیر است، پاسخ آنها منفی است.

ثانیاً، یکی از علل دست و پاگیر دانستن چادرهای ایرانی و سختی کنترل آن برای بعضی از بانوانی که خیلی استفاده از آن را تمرین نکرده‌اند، باز بودن جلوی آن است، که برای حل این مشکل نیز زنان و دختران میتوانند از «عباءه» چادرهای مشکی زنان عرب که دارای آستین است استفاده نمایند که کنترل آن آسان است. هم اکنون نیز عده‌ای از زنان و دختران ایرانی از این نوع چادر استفاده میکنند.

حجاب مشکی در تابستان

شبهه: بعضی گفته‌اند: «چون رنگ مشکی نور را جذب میکند، پس در تابستان معمولاً نمیتوان دختران را به حجاب تیره (مثل چادر مشکی) تشویق کرد.» (۳) آیا این ادعا صحیح است؟

پاسخ: اولاً، پوشش تیره و مشکی در بعضی از مناطق که دارای تابستان گرم است، اساساً برای دستهای از بانوان و دختران باعث مشقت نیست و برای دستهای دیگر، بر فرض مشقت‌آور بودن، قابل تحمل است.

دسته اول (کسانی که در تابستان گرم، حجاب مشکی برای آنها مشقت ندارد) بانوان و دختران معتقد و مؤمنی هستند که

به نقش حجاب برتر، مثل چادر مشکی، اعتقاد و باور راسخ دارند؛ از این رو نسبت به بعضی مشکلات احتمالی آن، احساس مشقتی ندارند.

اساساً وقتی انسان عملی را از روی عقیده‌ی راسخ انجام دهد نسبت به عوارض و پیامدهای سخت آن احساس مشقتی ندارد. در سیره‌ی انبیای الهی و معصومین (ع)، اصحاب و یاران ائمه‌ی اطهار (ع) و عالمان مجاهد، نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که در برابر مشقتهای نشأت گرفته از پذیرش یک عقیده و ایمان، احساس مشقتی نداشته‌اند. (۴)

در روایتی از امام صادق (ع) نیز تصریح شده است؛ «ما ضَعْفَ بدن عما قَویت علیه النیه»؛ (۵) جسم و بدن انسان، در مقابل کارهایی که بر اساس نیت و اعتقاد درونی قوی انجام میگیرد، احساس ضعف و مشقت نمیکند.

در جریان اسارت زنان اهل بیت (ع) پس از قیام خونین عاشورا و همچنین کشف حجاب زنان به وسیله‌ی رضاخان در ایران، حکایتها و خاطرات تاریخی و ماندگار فراوانی از مقاومت و پایداری زنان مؤمن و عفیف در مقابل بیحجابی نقل شده است. (۶) مطالعه‌ی این حکایتها برای بانوان و دختران جوان و عفیف بسیار آموزنده و افتخارآمیز است.

از این قضایا به خوبی استفاده میشود که زنان مؤمن، نه تنها احساس مشقتی نسبت به حجاب نداشته‌اند، بلکه بر عکس، جدایی آنها از حجاب برتر، مثل چادر مشکی، باعث اذیت و آزار روحی آنان بوده است. در قضیه‌ی کشف حجاب رضاخان نقل شده است که برداشتن چادر از سر زنان باعث گردید که عده‌ای از آنها از شدت غصه و ناراحتی دق و فوت نمایند. (۷)

اما دسته‌ی دوم (کسانی که ممکن است حجاب تیره و مشکی برای آنها مشقت داشته باشد، ولی سختی و مشقت

آن را تحمل میکنند) بانوان و دخترانی هستند که به دلیل قرار داشتن در محیط دینی و مذهبی خانواده و جامعه، از کودکی به این گونه حجاب عادت نموده‌اند؛ لذا در بزرگ سالی، سختی احتمالی حجاب مشکی برای آنها قابل تحمل است.

در علم روان شناسی و تعلیم و تربیت، در مبحث عادت گفته میشود که اگر انسان از کودکی به انجام کاری عادت کرد، نه تنها انجام آن برایش مشقتآور نیست، بلکه برعکس، ترک و جدایی از آن عمل برایش مشقت دارد. همین نکته ی مهم، رمز و راز توصیه ی ائمه ی اطهار(ع) به والدین در عادت دادن فرزندان به کارهای شایسته ای، مثل نماز و اذکار آن و روزه ی ناقص در سنین کودکی است. (۸) بر اساس همین تأثیر شگرف مقوله ی تمرین و عادت متربی به کارهای شایسته، و به موازات آن آگاهی بخشی درباره ی آثار مثبت کارهای خیر است که معمولاً در کتاب های تربیت اسلامی از روشهای تربیتی، هم چون «تلقین به نفس» و «تحمیل بر نفس» در کنار دیگر روشهای تربیتی مهم، مثل «اعطای بینش» بحث میشود. (۹)

بنابراین، با استثنا شدن دو دسته ی قبل نمی توان به طور مطلق و کلی ادعا نمود که حجاب مشکی در تابستان مناطق گرم، برای همه ی بانوان و دختران، فارغ از هر مقدار اعتقاد دینی و هر نوع محیط تربیتی مشقت دارد و نمیتوان به آن تشویق کرد.

ثانیاً، اجمالاً میپذیریم که ممکن است حجاب مشکی در تابستان برخی از مناطق بسیار گرم برای بعضی از افرادی که از دو دسته ی قبل نیستند مشقتآور باشد، ولی نمیپذیریم تحمل هر گونه مشقت و سختی به طور مطلق غیر معقول و نامطلوب باشد. طبق آموزه های معصومین(ع) که

تجربه‌ی زندگی انسانها و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است، اساساً زندگی دنیا بدون سختی و مشقت وجود خارجی ندارد. در احادیث، دنیا خانه‌ی محنت و سختی معرفی شده است: «الدنيا دار المحنة» (۱۰) و «دار بالبلاء محفوفة» (۱۱). فلسفه و رمز و راز آمیختگی دنیا با سختی و مشقت نیز این است که انسان در وصول به سعادت الهی که برای آن خلق شده است به تحمل سختی‌هایی که سازنده‌ی کمال انسانی هستند نیازمند است و به تعبیر قرآن، چه بسا کاری دارای سختی باشد و انسان از انجام آن اکراه داشته باشد، ولی خداوند خیر و نیکی انسان را در آن قرار میدهد:

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. (۱۲)

علاوه بر این در متون دینی، دست‌یابی به کرامتها و بهشت جاودان در گرو تحمل سختی دانسته شده است:

المكارم بالمكاره (۱۳) بالمكاره تنال الجنة. (۱۴)

اساساً فلسفه‌ی همراهی بعضی از احکام و تعالیم، مثل روزه، حجاب و جهاد با کلفت و سختی، در واقع، برای تأمین نیازمندی مذکور بدون هیچگونه تبعیض بین زن و مرد است؛ مثلاً اگر استفاده از حجاب کامل در تابستان مناطق گرم برای برخی بانوان و دختران با سختی و مشقت همراه است، طبق گفته‌ی قرآن کریم، بعضی از احکام الهی ویژه‌ی مردان، مانند جهاد نیز با سختی و مشکلات همراه است:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ. (۱۵)

نکته‌ی جالب این است که همان‌گونه که بعضی افراد، امروزه به بهانه‌ی گرما، در حجاب و پوشش زنان در تابستان تشکیک مینمایند، طبق فرموده‌ی قرآن، عده‌ای راحتطلب برای جهاد مردان در هوای گرم نیز تشکیک میکردند و میگفتند در هوای گرم برای

جهاد کوچ و هجرت نکنید «قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» (۱۶) که خداوند به پیامبر (ص) میفرماید در جواب آنها بگو:

نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ (۱۷) اگر میدانستند حرارت آتش جهنم از حرارت گرمای تابستان بیشتر است.

علاوه بر نقل، عقل نیز در مواردی که تحمل سختی در زندگی دنیا باعث دستیابی به هدف والاتر و بالاتر است، حکم به مطلوبیت آن میکند؛ مثلاً اگر تأمین سلامت جسمانی انسان، به عنوان هدفی مهم، به انجام عمل جراحی سخت یا خوردن فلان داروی بسیار تلخ و مشقت‌آور نیازمند باشد. عقل و نقل هر دو حکم به لزوم تحمل سختی و مشقت میکنند، تا غرض بالاتر، که حفظ سلامتی جسمانی است، تأمین گردد.

چون شارع مقدس به عنوان یک طیب روحانی (۱۸) تشخیص داده است که سلامت روحی و روانی افراد جامعه متوقف بر رعایت حجاب برتر، مثل چادر مشکی در مقابل نامحرم است، لذا پوشش چادر مشکی، حتی در هوای گرم، عقلاً و نقلاً امری راجح و مطلوب است؛ و برخلاف شبهاتی که بعضی با تبلیغات القایی منفی، به منظور فرهنگسازی بر ضد چادر مشکی منتشر میکنند، تجربه ی بیش از بیست سال پس از انقلاب اسلامی و گسترش سریع استفاده از چادر مشکی در بین زنان و دختران مؤمن و عفیف، خود بهترین شاهد است که استفاده از این نوع حجاب مشکل نیست، و لذا قابل تشویق است. براساس نظرسنجی و تحقیقی که به تازگی صورت گرفته است ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان، استفاده از چادر مشکی را در مجامع عمومی پسندیده‌اند. (۱۹)

علاوه بر عقل، ائمه (ع) و خاندان اهل بیت نیز نظراً و عملاً انسان را به تحمل مشکلاتی، که در راستای

سعادت و تکامل جسمانی و روحانی اوست، تشویق نموده‌اند. در بُعد نظری، امام علی(ع) در وصیتی به فرزند خود، امام حسن(ع) فرموده‌اند:

عَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ؛ (۲۰) نفس خود را به صبر و بردباری بر کار سخت عادت بده.

در روایت دیگری، ایشان کارهایی را که انسان با اکراه و سختی بر خویشتن تحمیل مینماید از بهترین اعمال دانسته‌اند:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ. (۲۱)

در بُعد عملی نیز، فرزند امام سجاد(ع) میفرماید:

وقتی جدم امام حسین(ع) شهید شد، زنان بنی هاشم در عزای حضرت، لباس مشکی پوشیدند و این لباس را در گرما و سرما تغییر ندادند. (۲۲)

حاصل این که صرف سخت بودن بعضی از احکام، مانند پوشیدن چادر مشکی در هوای گرم، باعث نمیشود که این گونه حجاب قابل ترویج و تشویق نباشد.

پی نوشتها:

(۱). هفته‌نامه‌ی فیضیه، کشف حجاب به روش مدرن، ۱۵ بهمن ۱۳۷۹ ص ۱.

(۲). زیبا میر حسینی، پیام زن، شماره ۴۹. ص ۴۵. لازم به تذکر است که پاسخ شبهه‌ی مذکور، به طور مختصر در خود مجله نیز آمده‌است.

(۳). عباس اللهیاری، روزنامه‌ی ایران، شماره ۱۶۲۳، ۲۸ شهریور ماه ۷۹، ص ۶.

(۴). به عنوان نمونه ر.ک: سید اسماعیل گوهری، آرزوی شهادت در بیان معصومین(ع)، ص ۷۵.

(۵). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

(۶). ر.ک: احمد عابدینی، «عاشورا حفظ کرامت و حجاب» مجله‌ی پیام زن، شماره ۶۹، ص ۳۸ و حکایت کشف حجاب، از سری کتاب‌های تاریخ ته‌اجم فرهنگی، نشر مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت.

(۷). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۸.

(۸). برای آشنایی با توصیه‌های مذکور به عنوان نمونه ر.ک: فروع کافی، ج ۳، ص ۴۰۹، و ج

(۹). برای اطلاع از روشهای مذکور و نقش تربیتی آنها ر.ک: دکتر خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸-۸۶.

(۱۰). آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۳۱.

(۱۱). همان.

(۱۲). سوره نساء (۴)، آیه ۱۹.

(۱۳). سید اصغر ناظم زاده قمی، جلوههای حکمت، گزیده ی موضوعی کلمات امیر المؤمنین علی (ع)، ص ۵۰۴.

(۱۴). همان.

(۱۵). سوره ی بقره (۲)، آیه ی ۲۱۶.

(۱۶). سوره ی توبه (۹)، آیه ی ۸۱.

(۱۷). همان.

(۱۸). ر. ک: دیباچهی کتاب، روایت «یا عباد الله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب...».

(۱۹). زنان و تازه های اندیشه، ماهنامه ی تحلیلی _ خبری زنان، مهرماه ۱۳۸۰، پیش شماره ی ۲، ص ۵۱، به نقل از روزنامه ی ایران ۳۰/۵/۸۰.

(۲۰). نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه ی ۳۱.

(۲۱). همان، حکمت ۲۴۹.

(۲۲). البحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ج ۷، ص ۱۱۸.

(۲۳). فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، شماره ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۱۳۷۹، ص ۴.

(۲۴). دکتر طباطبایی، روزنامه ی ایران، ۲۸ شهریور ماه ۱۳۷۹.

(۲۵). ر.ک: علیرضا امیر پور، روزنامه ی ایران، ۳ مهر ماه ۷۹، ص ۴، و مجله ی زنان شماره ی ۲۲، بهمن و اسفند ماه ۷۳، ص ۴؛ بر خلاف ایشان که خیلی با احتیاط اظهار نظر کرده اند، مجله ی زنان طی مصاحبه های با مردم کوچه و بازار، با روش تبلیغ

تلقینی و القایی، به طور صریح، ولی بدون ارائه ی هیچ دلیل و مدرک معتبری این فکر را ترویج نموده است که سیاهپوشی باعث افسردگی است.

برخلاف مجله ی زنان در روزنامه ی آفتاب، در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶، آمده است: «ثابت شده است که رنگ سیاه ناخواسته روحیه ی افسردگی

و ناامیدی را در افراد تشدید میکند». خوشبختانه ایشان نیز همانند روزنامه‌ی ایران، مقداری با احتیاط اظهار نظر کرده است؛ چون از واژه‌ی «تشدید» به خوبی آشکار می‌گردد که ایشان نیز قبول دارند پوشش سیاه، سبب ایجاد افسردگی نیست، بلکه فقط ممکن است بعضی از افرادی که در اثر عوامل دیگر دچار افسردگی شده‌اند، استفاده از لباس مشکی باعث تشدید افسردگی آنها گردد؛ البته دو نکته درباره‌ی این ادعا به نظر می‌رسد. نکته‌ی اول این که، ایشان ادعا نمودند برای استفاده از لباسهای رنگ سیاه چنین اثری ثابت شده است، اما متأسفانه همانند همه‌ی افرادی که چنین ادعاهایی میکنند، هیچ سند و مدرکی از کارشناسان قابل اعتماد و پژوهشهای قابل اطمینان ارائه ندادند. نکته دوم این که، اگر روان‌شناسان متخصص و متعهد درباره‌ی فردی که دچار افسردگی است تشخیص دادند که پوشش سیاه در مورد این فرد خاص باعث تشدید افسردگی او می‌گردد، در چنین موردی عقل و شرع به هیچ $\acute{e} \grave{e}$ وجه او را ملزم به استفاده از لباس مشکی نمیکنند؛ کما این که درباره‌ی افرادی که دچار افسردگی نمیباشند نیز چنین الزامی وجود ندارد. آنچه که مطرح است این است که براساس یافته‌های روان‌شناسی رنگها، چون رنگ مشکی، رنگ صامت و غیر فعال است، استفاده‌ی زنان از این رنگ در مقابل نامحرم، باعث آرامش روحی و روانی افراد جامعه می‌گردد و به همین دلیل استفاده از چادر و پوشش مشکی برای بانوان در خارج از منزل و در مقابل نامحرم رجحان و مطلوبیت دارد.

(۲۶). دکتر برهانی (متخصص اعصاب و روان)، هفتهنامه‌ی ۱۹ دی (قم) شماره‌ی ۱۵۵، ۲۸/۵/۸۱، ص ۹.

(۲۷). یکی

از قراین و شواهدی که مؤید این ادعاست که پوشش سیاه علت ایجاد افسردگی نیست این است که بسیاری از بانوان روانپزشک و روانشناس نیز از پوششهای مشکی استفاده میکنند.

(۲۸). دکتر ماکس لوشر، «روانشناسی رنگ ها»، ترجمه ی ویدا ابی زاده، ص ۹۷.

(۲۹). همان.

(۳۰). فیض کاشانی، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، ص ۱۷۷.

(۳۱). حجت الله رحمانی، «اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی؟» نشریه ی فیضیه، ص ۳، دوشنبه ۷ آذر ۱۳۷۹ (با دخل و تصرف).

(۳۲). مانا دشت گلی، «نکند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه ی نوروز، ۲۴ شهریور، ۱۳۸۰، ص ۸.

(۳۳). یکی از افرادی که در زمینه ی عوامل و انگیزه های افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ لباس تحقیقات خوبی نموده است، نویسنده ی زن عرب زبان کتاب «دراسات فی سیکولوجیه الملابس» است. وی در فصل پنجم کتاب خود (ص ۱۲۳ - ۱۳۲) عواملی همچون $\hat{e} \hat{e}$ محیط، ارزش های حاکم بر یک جامعه، عادت ها، تقلیدها، و بالاخره معیارها و قوانین را از عوامل مؤثر در انتخاب پوشش ذکر می کند. وی هم چنین در فصل هشتم (ص ۱۷۹) جلب توجه دیگران، زینت و خودآرایی، احتشام و حیا، برخورد و ارتباط با دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن، تحقق ذات و بالاخره مدگرایی را از جمله انگیزه های روحی و روانی افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ پوشش ذکر می کند. برای آگاهی بیش تر ر. ک: دکترعلیه عابدینی، دراسات فی سیکولوجیه الملابس.

(۳۴). حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۹، کتاب الحج، روایات باب ۳۳ از ابواب احرام، ص ۴۱؛ و صدوق، المقنع، ص ۲۲۹.

(۳۵). حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ج ۳، ص ۳۵۴؛ و سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، فصل شرایط لباس مصلی، مسئله ی

(۳۶). به عنوان نمونه ر.ک: میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۳۸، ذیل واژه ی سرور؛ همچنین ر.ک. به کتابهای احادیث، ذیل واژههای سرور، بهجت، نشاط، فرح.

(۳۷). به عنوان نمونه، مجله ی زنان، شماره ی ۲۲، طی مصاحبه ای کوچه و بازاری و عوامانه با عنوان «خانم چرا سیاه می پوشید؟» با روش تبلیغ القایی، تلاش نموده است این تفکر را به مخاطبان خود تلقین نماید.

(۳۸). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاه، روایت ۱۰، ص ۳۷۹.

(۳۹). ناصر فرزانه، رنگ و طبیعت، دانش رنگ ها، ص ۴۲.

(۴۰). مجله ی زندگی، دفتر شادابی، ص ۵۰، بهار ۱۳۷۹، به نقل از کتاب آیین زندگی، ص ۳۷.

(۴۱). مجله ی زندگی، دفتر شادابی، ص ۷۷، به نقل از مهدی بهادری نژاد، کتاب شادی و زندگی.

(۴۲). مانا دشت گلی، «نکنند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه ی نوروز، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۸.

(۴۳). ر.ک: توضیح المسائل فقها و مراجع تقلید، ذیل مباحث مربوط به پوشش محرم و نامحرم؛ و استفتائات آخر کتاب.

(۴۴). سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی ۳۳.

(۴۵). سوره ی نور (۲۴)، آیه ی ۶۰.

(۴۶). همان، آیه ی ۳۱.

(۴۷). حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الطهاره، ابواب آداب الحمام باب ۵۲. باب کراهه ترک المرأه للحلی و خضاب الید.

نتیجه گیری

از مباحث طرح شده در این اثر به خوبی آشکار شد که اسلام طرف دار حجاب بیش تر و حداکثر بانوان، به خصوص زنان و دختران جوان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباسهای بلند و گشاد، مقنعه و چادر مشکی، تأمین کننده ی حجاب بهتر و بیش تر و به اصطلاح، پوشش حداکثری هستند. از آن جا که در نوشته ی حاضر در پاسخ گویی به شبهات طرح شده بر ضد چادر

مشکی، تأکید فراوانی نسبت چادر مشکی صورت گرفت، ممکن است مخاطبان تصور نمایند که نگارنده ی این اثر برای حجاب در شکل چادر مشکی موضوعیت قایل است؛ به گونه‌ای که برای انواع حجابهای دیگر بانوان ارزشی قایل نیست، ولی واقعیت غیر از این است؛ زیرا ما برای حجاب با چادر مشکی طریقت قایل هستیم؛ به این معنا که معتقدیم حجاب با چادر مشکی به دلیل قراین و شواهد فراوان لغوی و تاریخی، دارای اصل و ریشه‌ی قرآنی است و به همین دلیل، فاطمه زهرا(س) به عنوان بهترین الگوی زن مسلمان از آن استفاده می‌کرده‌اند، و لذا اینگونه پوشش از مصادیق تأمین کننده ی حجاب برتر است؛ و همانگونه که گذشت هیچ یک از شبهات مخالفان چادر مشکی از کارآمدی و برتری آن نمی‌کاهد. در واقع یکی از پیامهای اصلی نوشته ی حاضر این است که به مخاطبان بگوید که چرا عده‌ای با استفاده از شبهات و روشهای القایی تبلیغ منفی، قبل از این که طرح مشخص و کاملی برای ترویج الگوی دیگری از حجاب برتر ارائه نمایند به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف استفاده کننده از چادر مشکی اقدام می‌کنند و به جای تبلیغ منطقی از حجاب و پوشش مورد علاقه ی خود، به تخریب چادر مشکی اقدام میکنند. روشن است که نتیجه ی چنین کاری ترویج لیبرالیسم و آزادی در پوشش در سطح جامعه و کاهش مقدار حجاب و پوشش بانوان و روی آوردن آنان به حجاب حداقلی است. با توجه به مطلب فوق و با عنایت به این که از نظر قرآن، مقتضی و زمینه ی نافرمانی از حدود و چهارچوبهای الهی در انسان

موجود است؛ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (۱). به خوبی میتوان نتیجه گرفت که ترویج و تبلیغ حجاب و پوشش حداقلی به نفع جامعه نیست؛ زیرا تبلیغ و ترویج این گونه حجاب و پوشش، کمک حجاب و پوشش اسلامی موجود در جامعه را به سمت بدحجابی و بیحجابی پیش میبرد _ که اکنون بعضی از علایم و آثار آن در برخی شهرهای بزرگ آشکار گردیده است. با توجه به واقعیت موجود، باید تمام ابزارهای فرهنگساز جامعه از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما را به سمت ارزشهای اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش مطلوب است، هدایت نمود؛ لذا در پایان این اثر به منظور حرکت در مسیر نهادینه شدن حجاب کامل اسلامی در جامعه، پیشنهادها و توصیههایی ذکر میگردد.

(۱). سوره ی قیامت (۷۵)، آیه ی ۵.

پیشنهادها و توصیهها

۱. پیشنهاد میشود در کتاب های درسی دختران دورههای ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به طور سلسلهوار مباحث مختلف حجاب و پوشش به ترتیب دورههای تحصیلی و با رعایت سطحبندی مباحث از ساده به پیچیده به شکل صحیح و زیبا طرح شود، تا دختران جامعه از همان خردسالی به عنوان مادران آینده، با مسائل مختلف حجاب، اعم از فلسفه و فواید حجاب، آثار فردی و اجتماعی آن، پیامدهای بدحجابی و بیحجابی و غیره آشنا شوند و نسبت به حجاب، اعتقاد راسخ پیدا نمایند، اگر دختران جامعه از همان سنین کودکی اعتقاد راسخ و عمیقی نسبت به حقانیت حجاب و مسائل آن، به عنوان یک حجاب درونی، پیدا نمایند یقیناً در مرحله ی حجاب بیرونی نیز بر اساس همان اعتقاد درونی عمل خواهند کرد. از آن جا که یکی از سورههای قرآنی

که بسیاری از مسائل حجاب و پوشش در آن مطرح شده، سوره ی نور است؛ مناسب است که در مدارس دخترانه، زمینه ی آشنایی عمیق و تفصیلی دختران با معارف قرآنی این سوره درباره ی حجاب و پوشش، به طور صحیح و دقیق و کارشناسی شده فراهم گردد.

۲. پیشنهاد میگردد از برخی محصولات فرهنگی، مثل مجله‌ها به صورت ویژه‌نامه‌های هر چند وقت یکبار برای تبیین علمی و جذاب مسائل حجاب برای دختران استفاده شود؛ به عنوان مثال شماره‌ی ششم مجله‌ی «حدیث زندگی» ویژه‌ی جوانان که توسط موسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث چاپ میگردد، ویژه‌ی عفاف و حجاب است که مطالعه آن را به خواهران و بانوان توصیه میکنیم.

۳. در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها که مقدار آگاهی و توانایی فهم دختران بیش تر است، جلسات پرسش و پاسخ درباره ی بعضی مسائل و شبهات جدید حجاب با حضور کارشناسان آگاه و مسلط دینی و اسلامی، با حضور زنان و خواهران مؤمن فرهیخته و دانشمند تشکیل گردد.

۴. یکی از مراکز فرهنگی مهم که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب کامل دارد، سیمای جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش الگودهی بسیار مهمی برای مردم دارد؛ بنابراین، جا دارد مسئولان سیمای جمهوری اسلامی به الگوپذیری مردم، خصوصاً زنان و دختران، از حجاب و پوشش هنرمندان و مجریان تلویزیون، توجه و دقت جدی نمایند.

۴. مراکز فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مثل مطبوعات با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسائل مهم و اساسی حجاب برتر پردازند؛ زیرا همانگونه که از لابلای اثر حاضر روشن گشت، حجاب حداکثری و بیشتر بانوان یکی از احکامی است که دین اسلام، بانوان

را به آن ترغیب و تشویق نموده است. نکته‌ی فوق به منزله‌ی یک ملا-ک و معیار برای ارزیابی فعالیت‌های مطبوعاتی در ارتباط با ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه اسلامی است؛ به این معنا که اگر نتیجه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی در راستای تقویت و تحکیم منطقی حجاب و پوشش بیشتر و برتر باشد، میتوان گفت مطبوعات جامعه‌ی اسلامی، در این مورد به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل نموده‌اند؛ ولی اگر فعالیت‌های مطبوعاتی آنان منجر به تضعیف و تخریب مصادیق حجاب برتر باشد در حقیقت به رسالت مطبوعاتی خود عمل نکرده‌اند.

۶. خانواده‌ها، خصوصاً مادران که مسئولیت سنگینتری در تربیت دختران و ارتباط بیش تری با آنها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آنها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق، و در انتخاب دوستان آنها توجه نمایند که به مسائل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند.

۷. به دلیل تأثیرپذیری دانش‌آموزان و دانش‌جویان از مدیران و معلمان و اساتید، رعایت حجاب کامل از سوی کادر آموزشی مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه تأثیر رفتاری و عملی فراوانی روی مخاطبان دارد. برای استمرار و تقویت حجاب کامل در بین کادر آموزشی، مسئولان مراکز مذکور باید با تصمیم‌گیری قاطع و منطقی اولاً، لزوم استفاده از حجاب کامل اسلامی را قانونمند کنند؛ ثانیاً،

افرادی که حجاب کامل را رعایت می کنند به شکل های مختلف مورد تشویق قرار گیرند؛ ثالثاً، پس از تبیین منطقی حکم حجاب با افراد متخلف، به طور قاطع و جدی و قانونی برخورد نمایند.

۸. اگر برخی مراکز فرهنگی از شعارنویسی روی دیوارها برای ترویج فرهنگ حجاب کمک میگیرند، در این زمینه باید از شعارهای جذاب و مثبت استفاده کنند، مثل: حجاب سلاح زن است در مقابل نگاه های آلوده؛ حجاب پند است، نه بند.

افراد آشنا به مسائل و کارهای فرهنگی، به خوبی میدانند که استفاده از شعارهای منفی و دارای دافعه، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه بر عکس باعث لجابت و مقاومت در افراد بیحجاب میگردد.

۹. یکی از روشهای تبلیغ منفی بر ضد حجاب، خصوصاً در شکل چادر این است که معمولاً افراد باحجاب و چادری را افرادی بیسواد و بدون فرهنگ معرفی میکنند و در مقابل، زنان بیحجاب را افراد با فرهنگ به حساب میآورند.

با توجه به این که ادعای فوق توسط بعضی افراد، خصوصاً رسانههای خارجی و غربی مطرح میگردد، به منظور اثبات نادرستی این ادعا دو پیشنهاد ارائه میگردد:

الف) الگوهای برجسته ی زنان محجبه و چادری در زمینهای مختلف به وسیله رسانها، مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... از طریق بیان جلوههای زندگانی، و موفقیتهای آنها در کسب مدارج علمی و فرهنگی معرفی گردند. یکی از مطبوعاتی که تا حدودی در این زمینه موفق بوده است، مجله ی «پیام زن» است. در شمارههای مختلف این مجله مصاحبهایی با زنان متدین و محجبه که دارای موفقیتهای علمی و فرهنگی بودهاند انجام شده است، که مطالعهی آنها به دختران و بانوان توصیه میگردد.

ب)

شرکت فعال زنان محجبه و دارای مدارک علمی و فرهنگی سطح بالا در کنفرانسهای خارجی و بین المللی، در خنثی نمودن تبلیغات سوء رسانههای خارجی و غربی بر ضد زنان محجبه، نقش بسیار مؤثری دارد. یکی از نمونههای بارز آن، شرکت گسترده و عالمانه ی زنان محجبه در اجلاس پکن بود که نقش بسیار مؤثری را در تصحیح افکار جهانیان درباره ی زنان محجبه ایرانی داشته است. (۱)

۱۰. همانگونه که حکومتهای لائیک و ضد دین، مثل حکومت رضاخان در ایران و حکومت آتاتورک در ترکیه، با طرح کشف حجاب، به طور برنامه ریزی شده به مقابله با آن برخاستند؛ و رژیم طاغوتی شاه نیز به دلیل ماهیت ضد دینی برای مقابله با دین و مقولههای دینی، مثل حجاب، دارای طرح و برنامه ی مشخص بود؛ (۲) لازم است حکومتهای دینی، از جمله جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با بیحجابی و بدحجابی، که از مظاهر هجوم فرهنگی غرب است، دارای طرح روشن و مشخص و دقیق و کارشناسانه باشد؛ از این رو، پیش نهاد میشود شورایی از کارشناسان مسائل شرعی و جامعهشناسی و روانشناختی حجاب، با نظارت و حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شود و طرحی جامع برای مبارزه ی سنجیده و کارشناسی شده با مقوله ی بدحجابی و راه های گسترش حجاب برتر تهیه نمایند. در تهیه ی طرح مذکور لازم است از تجربههای زنان محجبه و فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی نیز استفاده شود.

۱۱. به زنان و دختران متدین و عفیف پیشنهاد میشود به طور مستمر مطالعات و تحقیقات خود را درباره ی فلسفه، فواید و مسائل حجاب افزایش دهند. این کار دو فایده ی مهم دارد:

الف) اعتقاد و ایمان آنها به حقانیت احکام متعالی و نورانی اسلام،

افزایش مییابد و در نتیجه التزام عملی آنها به رعایت حجاب برتر بیش تر می شود. (۳)

ب) از طریق فوق بهتر میتوانند به تبلیغ و ترویج صحیح و منطقی حجاب برتر اقدام نمایند و حتی در مواقع لازم، از طریق جهاد فرهنگی به پاسخ گویی شبهات مخالفان حجاب نیز اقدام نمایند. (۴)

۱۲. متأسفانه برخی مطبوعات، با روش سلبی، یعنی از طریق تخریب حجاب برتر، مثل چادر، به طور غیر مستقیم به ترویج حجاب و پوشش مورد علاقهی خود میپردازند و چون این روش، روش صحیح و معقولی نیست، به این گونه مطبوعات توصیه میشود به جای پیش گرفتن روش تخریبی و سلبی، با ابزار منطق و دلیل به ترویج حجاب مورد نظر خود بپردازند. به نمونههایی از روش تخریبی و القائات منفی برخی مطبوعات برضد چادر مشکی و حجاب برتر توجه کنید:

الف) مصاحبه ی عمومی کوچه و بازاری درباره ی مسائل تخصصی.

یکی از مجلات در یک مصاحبه ی عمومی با مردم کوچه و بازار، با طرح این پرسش که «خانم چرا سیاه میپوشید؟» (۵) با القای غیر مستقیم افکار انحرافی، سعی در تخریب حجاب تیره و چادر مشکی نموده است. اساساً تردیدی نیست این گونه مصاحبههای کوچه و بازاری که معمولاً نظریات علمی و کارشناسی در آنها مطرح نمی شود، در مورد مسائل تخصصی، مانند مسئله ی پوشش و لباس، ارزش و اعتبار علمی ندارد.

ب) استفاده ی ابزاری از جوانان. یکی از روزنامهها نیز در عملی مشابه مصاحبه ی مذکور، در یک نشست، به همراه بعضی دختران و پسران، بدون حضور کارشناسان و بدون استناد به نظریات کارشناسی، به چاپ نظرهای آنها درباره ی لباس پرداخته است. (۶) واضح است که چنین روشی نیز از نظر علمی و کارشناسی

فاقد ارزش و اعتبار است و بیش تر به استفاده ی ابزاری از جوانان شباهت دارد.

ج) استفاده ی ابزاری از ادبیات. روزنامه های در یک قطعه ی ادبی، با القای غیر مستقیم، به نکوهش بعضی از مصادیق پوشش مشکلی در سطح جامعه پرداخته است. (۷) روشن است که درباره ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، مثل مسئله ی لباس، نمیتوان از نوشته های ادبی استفاده نظری و علمی نمود، بلکه باید با برگزاری نشست های علمی و کارشناسی، کارآمدی یا ناکارآمدی یک نوع حجاب و لباس را مشخص نمود.

با توجه به روش های غیر عقلایی یاد شده، به این گونه مطبوعات توصیه میشود برای فرهنگ سازی صحیح و عمیق از روش های عقلایی استفاده نمایند.

۱۳. همانگونه که در ضمن نوشته ی حاضر آشکار شد، علت بسیاری از اظهار نظر های نادرست و غیر دقیق در زمینه ی ابعاد دینی حجاب، این است که افرادی بدون آشنایی با احکام دینی و بدون مطالعه و تحقیق درباره ی مسائل حجاب دینی و اسلامی، به خود اجازه ی اظهار نظر می دهند. واقعاً جای تعجب است که در عصر پیشرفت علم، بعضی از مطبوعات از مواجهه ی کارشناسانه با مقوله ی حجاب و پوشش گریزانند و با سوء استفاده از آزادی، به روش های غیر علمی و غیر منطقی روی می آورند؛ به رسانه ها و مطبوعاتی که در صدد طرح مسائل دینی و مذهبی هستند پیش نهاد میشود با ایجاد ارتباط صمیمی با حوزه ی علمیه ی قم و مراکز پژوهشی آن، زمینه ی همکاری نزدیک در طرح مسائل دینی به طور علمی و کارشناسانه را فراهم نمایند. شایسته ی ذکر است اکنون با تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه، زیر نظر شورای عالی حوزه ی علمیه قم، زمینه ی همکاری های نزدیک بین فرهیختگان حوزوی و

اصحاب رسانهها و مطبوعات به خوبی فراهم شده است.

۱۴. مشکل دیگر _ که در ضمن اثر حاضر موارد متعددی از آن مطرح گردید _ این است که اظهار نظرها در زمینه ی حجاب در عرصه ی برخی مطبوعات، بعضاً بدون ذکر سند و مدرک و دلیل صورت میگیرد؛ مثلاً فردی ادعا میکند که چادر در زمان قاجار جا افتاده است و ریشه ی دینی و مذهبی ندارد، (۸) ولی هیچ سند و مدرکی برای ادعای خود نقل نمیکند. روشن است که اینگونه اظهار نظرهای بدون سند و مدرک فاقد ارزش علمی است؛ از این رو به مطبوعات توصیه میگردد در بیان ادعاها و اظهار نظرها، علاوه بر استفاده از نظرهای علمی و کارشناسانه، ابتدا از وجود اسناد و مدارک معتبر و کافی برای بیان یک مدعا مطمئن شوند و سپس به چاپ آن اقدام نمایند.

۱۵. افرادی که خود یا یکی از اقوام و دوستانشان به کشورهای غربی که مروج فرهنگ برهنگیاند، مانند کشورهای اروپایی و غربی، مسافرت نمودهاند، به خوبی می دانند که رابطه ی مستقیمی بین کاهش مقدار پوشش افراد، خصوصاً زنان، و افزایش جرایم و مفاسد جنسی وجود دارد. یک بانوی تازه مسلمان امریکایی می گوید:

در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانیده و پوشش بیش تری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوسی در امریکا تجاوز به عنف نسبت به زن کم تر می شود، لکن در تابستان که زنان، علاوه بر گرمای هوا، به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه ی گرما، اعضای حساس بدن خود

را در معرض دید مردها قرار دهند، تجاوز به عنف نسبت به زنان حتی پیرزنان نیز افزایش می یابد و تا آنجا پیش می رود که در این فصل راهبه ها نیز مورد حمله ی مردان جنایتکار قرار می گیرند. (۹)

به محققین و پژوهشگران توصیه می شود به طور تطبیقی و مقایسه ای درباره ی مقدار جرایم و مفسد جنسی در کشورهای اسلامی، که اکثراً مقید به رعایت پوشش در اجتماع هستند، با کشورهایی که برهنگی در آنها رواج دارد، همانند بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی، تحقیقاتی انجام دهند تا برای افرادی که درباره ی مطلب یاد شده تردید دارند، به طور علمی آشکار گردد که واقعاً بین افزایش پوشش و کاهش جرایم جنسی و بالعکس، رابطه ی معناداری وجود دارد.

۱۶. در ضمن اثر حاضر آشکار شد که استفاده از چادر مشکی دارای ریشه های قرآنی و روایی است؛ از این رو به اهل قلم و مطبوعات توصیه می شود در مواجهه با سنت و سیره های موجود در بین مسلمین، مثل سیره و سنت استفاده ی زنان مسلمان از چادر مشکی، که دارای ریشه ی قرآنی و اسلامی است با احتیاط و دقت مواجه شوند و این گونه نباشد که به راحتی به نقض سیره و سنت اسلامی اقدام کنند. امیرمؤمنان علی (ع) می فرمایند:

لا تنقض سنه صالحه عمل بها صدور هذه الامه و اجتمعت بها الالفه و صلحت عليها الرعيه و لا تُحدثنَّ سنه تضرّ بشيءٍ من ماضی تلک السنن فیکون الاجر لمن سنّها و الوزر علیک بما نقضت منها؛ (۱۰) آداب پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزین، و آدابی که

به سنت های خوب گذشته زیان وارد می کند پدید نیآور، که پاداش برای آورنده ی سنت و کیفر آن برای تو باشد که آنها را درهم شکستی.

۱۷. در نوشتهی حاضر به طور مستند اثبات گردید که متأسفانه برخی مطبوعات و افراد از آزادی که به برکت جانفشانی صدها هزار شهید گلگون کفن به دست آمده است به نحو شایسته و صحیح در راه تبیین و نشر حقایق استفاده نمیکنند، بلکه برعکس، در راه ترویج اباطیل و شبههها و سست کردن ارزشهای الهی جامعه اسلامی، همانند حجاب، از آزادی سوء استفاده میکنند. به نظر میرسد یکی از علل این سوء استفاده، عدم تبیین صحیح و علمی محدودهی آزادی بیان و قلم است که باعث گردیده عدهای تصور کنند به بهانه آزادی، مجاز به تبلیغ و ترویج هر فکر و عملی به هر شکل و قیمتی ولو با شیوههای غیر علمی، مثل ادعاهای بدون دلیل و ترویج دروغ و تهمت میباشند. ثمرهی چنین تصور نادرستی به هر حال این واقعیت تلخ عینی را منجر گردیده است که عدهای با نشر اکاذیب در مورد مبانی حجاب اسلامی، زمینهی تشویش اذهان عمومی، به خصوص بانوان و دختران جوان در زمینهی حجاب و پوشش اسلامی را فراهم کردهاند. حال پرسش اساسی این است که مسئولیت تشویش، سرگردانی و در نتیجه سستی آشکار نسبت به رعایت حجاب که در برخی از بانوان و دختران در اثر انتشار شبههها در زمینهی حجاب اسلامی مشاهده میگردد به عهده کیست؟ به نظر میرسد، مسئولیت تشویش و سستی یاد شده، بیش از همه بر دوش افرادی است که به جای تبیین دقیق و عمیق مفهوم و معنای

آزادی قلم و بیان و حد و مرزهای آن در یک جامعه اسلامی، (۱۱) پیوسته فریاد به خطر افتادن آزادی سر داده و میدهند. به این گونه افراد و به افرادی که با سوءاستفاده از آزادی، شبهههایی را در زمینهی ارزشهای اسلامی، مانند حجاب، با ابزار قلم و بیان در جامعه منتشر نموده و مینمایند، توصیه میشود دربارهی حد و مرز آزادی و تفاوت آزادی در جامعهی اسلامی و جامعهی غربی به مطالعه و پژوهش عمیق بپردازند.

(۱). برای آگاهی از موفقیتهای زنان ایرانی در اجلاس مذکور ر.ک: «همراه با زنان در سفرنامه ی پکن»، مجله ی پیام زن، ش ۵۷_۴۵.

(۲). به عنوان نمونه، در مجله ی پیام زن، شماره ی ۵۰، ص ۱۸، طرح رژیم شاه در برخورد با حجاب و چادر چاپ شده است.

(۳). یکی از مصادیق برجسته و جالب در مورد تأثیر آگاهی زنان مسلمان در التزام آنها به حجاب، حادثه ی شگفتانگیز محجبه شدن چند تن از زنان هنرپیشه ی مصری است که در یک اقدام غیر منتظره حجاب و پوشش اسلامی را انتخاب نمودند. متأسفانه این حادثه ی مهم در اثر بایکوت خبری رسانهها در مطبوعات جهان، خصوصاً رسانههای غربی، انعکاس نیافت. مجموع مصاحبههای آنان را در شمارههای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ مجلهی پیام زن میتوانید مطالعه نمایید.

(۴). برای آشنایی با جهاد فرهنگی بعضی از زنان فرهیخته با مقوله ی کشف حجاب، به عنوان نمونه ر.ک: زینب بیگم شیرازی، «جوابیه ی ضاله طالبین رفع حجاب»، پیام زن، ش ۱۱۲، ص ۲۶.

(۵). مجله ی زنان، سال سوم، بهمن و اسفند ۷۳، شماره ۲۲، خانم چرا سیاه می پوشید؟ به کوشش لیلی پورزن.

(۶). گیو نمازی،

هماندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

(۷). مانا دشت گلی، «نکند پدر مرا نشناسد» روزنامه‌ی نوروز، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۸.

(۸). پاسخ این ادعا در فصل دوم این اثر آمده است.

(۹). اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۱۹.

(۱۰). نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، نامه‌ی ۵۳، ص ۵۷۲.

(۱۱). برای آگاهی بیشتر در زمینه‌ی محدودهی آزادی قلم و بیان از دیدگاه اسلام و تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در باب آزادی ر. ک: به آثار ذیل از سردار بزرگ جهاد فرهنگی بر ضد شبهه‌افکنان در عصر حاضر علامه استاد محمد تقی مصباح یزدی، دین و آزادی، و نظریه حقوقی اسلام، ص ۳۰۳ - ۴۰۰، و نیز نظریه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۶۳ - ۹۷ و ۲۱۳ - ۲۲۴.

استفتائات و دیدگاه‌های مراجع تقلید درباره‌ی حجاب و لباس (۱)

امام خمینی (ره):

آنها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه‌ی مردان و ملعبه‌ی جوانان فاسد قرار بدهند، جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود، با سر باز و لخت؛ این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم ساز است، زن مربی انسان است. (۲)

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی:

«حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله‌ی آنها قرار گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقاء استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه‌ی مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند. (۳)

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

آیا

جنایتی از این بزرگ تر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است، چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ی ملی ماست.

لَا آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی اعتنایی می کنند چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب است، ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیت الله تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنایی نمایند، حکم بی اعتنایی به سایر تکالیف دینی است.

حضرت آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بیاعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

حضرت آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی شود.

حضرت آیت الله بهجت:

بی اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

پوشیدن جوراب نازک و بدن نما برای خانم ها در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد؟ و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در دید نامحرمان چگونه

است؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جوراب هایی برای حجاب شرعی واجب کفایت نمی کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است.

آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباس های محرک چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

حرام است.

حضرت آیت الله بهجت:

حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بدون شک جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی:

جایز نیست.

عده ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه ها و سخنرانی هایشان می گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ های متنوع، جای گزین چادر مشکی شود. آیا چنین حرف و اقدامی

صحیح است یا نه؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله خامنه ای:

این صحبت صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوششِ چادر است، و چادر سیاه هم بی اشکال است و کراهت ندارد.

حضرت آیت الله تبریزی:

زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین، از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می شود باید آن را هم بپوشاند، و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبا سیاه کراهت ندارد.

حضرت آیت الله بهجت:

این اقدام باطل است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

نظریهی مذکور صحیح نیست و مفسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عدّه ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حافظ شخصیت و ارزش و متانت اوست دارند و مع الاسف می خواهند این امر

را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که برخلاف اسلام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس هایی که جلب توجه کند حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست.

امروز یک حرکت خزنده ای علیه چادر، که یک حجاب ملی و سنتی است آغاز گردیده است، خواهشمندیم نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

سزاوار است خانم ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعایر اسلام می باشد و با حفظ این شعار سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثی کنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

چادر بهترین پوشش برای خانم هاست، چون تمامی مفاتن بدن را می پوشاند. خانم های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضرّ پرهیز کنند.

حضرت آیت الله بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.

حضرت آیت الله سیستانی:

چادر حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن های مؤمن بدون چادر خارج شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

حجاب یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست ها تا میچ است؛ ولی بی شک چادر حجاب برتر است.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشیدن بدن بر زن واجب، و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن های مؤمنه خود را با آن می پوشانند.

نظر جنابعالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است، اشکال دارد. (۴)

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بهتر است از این

نوع لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

مسلمین از این گونه لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زئی مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هر گاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

بعضاً مشاهده می شود که بعضی از افراد در مجالس عقد و عروسی و عده ای در انظار عمومی، اقدام به نصب کراوات و پاپیون بر روی پیراهن خود می نمایند، حکم شرعی استفاده از لوازم مذکور چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

بستن کراوات و پاپیون چون تقلید و ترویج از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است جایز نیست. (۵)

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

کراوات و پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آنها استفاده کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که کراوات و پاپیون در محیط ما ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می شود، استفاده از آن اشکال دارد.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زئی مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله بهجت:

خلاف احتیاط است.

(۱) برخورد زن همراه با چهره ی خندان و متبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه ها و سایر برخوردها چه صورت دارد؟

۲) خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می شود چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

۱) صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست.

۲) از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می شود باید پرهیز نمود.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

۱ و ۲) به طور کلی دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و

اگر کردند گناه بزرگ است.

حضرت آیت الله بهجت:

(۱) هر کاری که معرضیت ریبه و یا فتنه در آن است جایز نیست.

(۲) جایز نیست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

(۱) اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند.

(۲) بهتر است زنان و دختران مسلمان از این گونه کارها پرهیزند و اگر منشأ فسادی شود جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

(۱) اگر از روی التفات کاری را که موجب جلب نظر اجانب شود انجام دهند اشکال دارد.

(۲) زن عقیف این کار را نمی کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد حرام است.

حضرت آیت الله لطف الله صافی:

(۱) مخالف نص قرآن است ولا یخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض.

(۲) جایز نیست.

برخی در مورد مسائل زنان اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می کنند، مانند بحث دوچرخه سواری یا ورزش بانوان، یا در مورد

حجاب اظهار می دارند که به نظر ما کت و دامن جهت حجاب کفایت می کند. نظر حضرتعالی در این زمینه ها چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست؛ و بر مؤمنین واجب است در تمام

احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند.

حضرت آیت الله تبریزی:

ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی عفتی زنان و دختران شود جایز نیست؛ و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن

آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی کند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

امور مذکورہ معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن پرهیزند.

حضرت آیت الله بهجت:

هر چه باعث فتنه و فساد باشد اشکال دارد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هر چه موجب اشاعهی مفاسد اخلاقی گردد

حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن بپرهیزند.

برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی نرسیده اند با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند، مستدعی است وظیفه ی والدین را در قبال فرزندان خود بیان بفرمایید و این بی اعتنایی چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را پوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی بندوبار نشود.

حضرت آیت الله سیستانی:

بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست؛ ولی پدر و مادر لازم است که فرزند خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آنان بکوشند.

حضرت آیت الله بهجت:

تمرین اطفال بر وظایف شرعیه به عهده ی والدین است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

کار صحیحی نیست و والدین موظف اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا(ع) تشریف داشتند و عدّه ای نیز حضور داشتند، دختر بچه ای وارد شد؛ حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا(ع) آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد پنج سال دارد؛ حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند نمودند؛ و اعمال آن

بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از زمان طفولیت آشنا کنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست؛ لکن وظیفه ی والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندانشان را با احکام اسلامی تربیت نمایند.

در صورتی که زن میدانند مرد نامحرم به قصد لذت به صورت و دستهای معمولی زینت نشدهی او نگاه میکند، در این فرض پوشاندن صورت و دستها لازم است یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.

حضرت آیت الله تبریزی:

بلی در این صورت بنابر احتیاط پوشاندن لازم است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

دست و صورت بنابر احتیاط واجب باید پوشیده شود. (جامع الاحکام ۲/۱۶۵).

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بلی پوشاندن آن لازم است

حضرت آیت الله بهجت:

پوشاندن دست و صورت مطلقا بنابر احتیاط لازم است.

فهرست گزیده منابع (۱)

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق المصطفی الدرایتی و حسین الدرایتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۷۷.

۴. ابن عربی؛ احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۵. ابن منظور المصری، ابی الفضل جمال الدین؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۶. ابوالحسنی، علی؛ سیاه پوشی در سوگ ائمه ی نور، قم: مؤسسه الهادی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵.

۷. الآلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۸. امین، سید نصرت بیگم؛ تفسیر مخزن العرفان، اصفهان: چاپ نشاط.

۹. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به

تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۴.

۱۰. البحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۳۶۳ هـ. ش.

۱۱. البیضاوی، ناصر الدین ابی سعید عبد الله؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار صادر.

۱۲. بیگم شیرازی، زینب؛ جوابیه مقالهی ضالّه طالبین رفع حجاب، به کوشش رسول جعفریان، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۱۱۲.

۱۳. پلنگی، محبوبه؛ زنان در الجزایر، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۵۹.

۱۴. الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الرابعه.

۱۵. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم. ۱۳۷۴.

۱۶. الخُرانی، ابو محمد الحسن بن علی ابن الحسین ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه‌ی احمد جنتی، انتشارات علمیه‌ی اسلامیة، اسفند ۱۳۵۴.

۱۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: چاپ دار احیاء التراث العربی.

۱۸. حسینیان، روح الله؛ حریم عفاف، (حجاب، نگاه)، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۲.

۱۹. الحسینی الزبیدی، سید محمد بن احمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت: انتشارات دار الفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ. ق.

۲۰. الخطیب العدنانی؛ الملابس و الزینه فی الاسلام، مؤسسه انتشار العربی، الطبعة الاولى ۱۹۹۹.

۲۱. خوبی، ابوالقاسم؛ شرح عروه الوثقی، کتاب الصلاة.

۲۲. راغب اصفهانی؛ معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، دار الکاتب العربی.

۲۳. رحمانی، حجت الله؛ اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی، نشریه‌ی فیضیه، ۷ آذر ۱۳۷۹.

۲۴. رفیع، جلال؛ یادداشت‌ها و رهاوردهای سفر نیویورک در بهشت شدّاد، آمریکای متمدن، آمریکای متوحش، تهران: مؤسسه‌ی اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ. ش.

۲۵. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف، عن

- حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التاويل، بيروت: ناشر دار الكتاب العربى، الطبعة الثالثه، ١٤٠٧ هـ. ق .
٢٦. زنجانى، فياض؛ رساله ى حجابيه، مجلهى كيهان انديشه، شماره ى ٦٠، خرداد و تير ١٣٧٤.
٢٧. زيدان، عبدالكريم؛ المفصل فى احكام المرأه والبيت المسلم فى الشريعه الاسلاميه، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثالثه، ١٤١٧ هـ. ق.
٢٨. سادات فخر، سيد على؛ حجاب ارزش يا روش، مجلهى كتاب نقد، شماره ى ١٧، ويژه ى فمينيزم.
٢٩. السجستاني الازدى، ابى داود سليمان بن الاشعث؛ سنن ابى داود، طبع دار الكتب العربى.
٣٠. الشرتونى، سعيد الخورى، اقرب الموارد فى فصيح العربيه و الشوارد، تهران: دارالاسوه للطباعه و النشر، الطبعة الاولى؛ ١٣٧٤ هـ. ش.
٣١. شعرانى، ابوالحسن؛ دمع السجوم، ترجمهى نفس المهموم، تهران: انتشارات علميه اسلاميه، ربيع الاول ١٣٧٤ هـ. ق.
٣٢. نثر طوبى، دائره المعارف لغات قرآن مجيد، انتشارات اسلاميه.
٣٣. صافى، محمود؛ الجدول فى اعراب القرآن و صرفه و بيان، دمشق: دارلارشى، الطبعة الاولى، ١٤١١ هـ. ق.
٣٤. صبورى اردوبارى، احمد؛ آيين بهزيستى اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ اول، تابستان ١٣٦٧.
٣٥. الصدوق، ابن جعفر محمد بن عليلين الحسين بن بابويه القمى؛ المقنع، قم: مؤسسه الامام الهادى (ع)، ١٤١٥ هـ. ق .
٣٦. الخصال، صححه و علق عليه على اكبر الغفارى، منشورات جماعه المدرسين، طبع شهريور ١٣٦٢.
٣٧. من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه ى النشر الاسلامى، الطبعة الثانيه، ١٤٠٤ هـ. ق.
٣٨. صفى پور، عبدالرحيم؛ «منتهى الارب فى لغه العرب»، چاپ اسلاميه، جمادى الثاني ١٣٧٧.
٣٩. الطباطبايى، سيد محمد كاظم؛ العروه الوثقى، قم: ناشر مكتبه الوجدانى.
٤٠. الطباطبايى، محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن، قم: مؤسسه ى مطبوعاتى اسماعيليان، الطبعة الثانيه، ١٣٩٤ هـ. ق .
٤١. طبرسى، ابو على الفضل بن

الحسن؛ مجمعالبیان فی تفسیر القرآن، طبع کتابفروشی اسلامیه.

۴۲. الطبرسی، ابومنصور؛ الاحتجاج، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۴۳. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، شهریور ۱۳۶۲.

۴۴. الطوسی، محمد حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.

۴۵. طیبی، ناهید؛ حجاب و عفاف مروری دوباره، مجله ی پیام زن، شماره ی ۹۵ _ ۹۶.

۴۶. عابدینی، احمد؛ عاشورا، حفظ کرامت و حجاب، مجله ی پیام زن، شماره ی ۶۹.

۴۷. عابدینی، علیّه، دراسات فی سیکولوجیه الملابس، قاهره: دارالفکر العرب، ۴۲۰ هـ. ق.

۴۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، تحقیق مهدی محزومی، بیروت: دار الهجره الطبعة الثانيه، ۱۴۰۹ هـ. ش.

۴۹. فرزانه، ناصر؛ رنگ و طبیعت، دانش رنگ ها، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵۰. فضل الله، محمد حسین؛ مصاحبه درباره ی جوانان، ورزش و حجاب، دنیای جوان، مجله ی پیام زن، شماره ی ۷۴، اردیبهشت ۱۳۷۷.

۵۱. فلسفی، محمد تقی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۴۴ ش.

۵۲. ؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: انتشارات الحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۵۳. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر صافی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: الطبعة الثانيه، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۵۴. ؛ المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی، الطبعة الثانيه.

۵۵. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر، بیروت: المكتبة العلمیه.

۵۶. قانع، سید مهدی؛ انسان، پوشش و ریشههای تاریخی، مجله ی پیام زن، شماره های ۱۸، ۱۹، ۲۰.

۵۷. القمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار و مدینهی الحکم و الآثار، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول و فروع کافی، چاپ دارالکتب الاسلامیه.

۵۹. گلی زواره، غلامرضا؛ استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب، پیام زن؛ شماره ی ۷۰.

۶۰. گوهری، سید اسماعیل؛ آرزوی شهادت در

بیان معصومین(ع)، تهران: انتشارات امیری، چاپ اول، مرداد ۱۳۶۶.

۶۱. لسان التنزیل، به اهتمام مهدی محقق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲.

۶۲. لوشر، ماکس؛ روانشناسی رنگ ها، ترجمه ی ویدا ابی زاده، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.

۶۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۶۴. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم. الطبعة الاولى، ۱۳۶۲ هـ. ش.

۶۵. محمدی نیا، اسد الله؛ آنچه باید یک زن بداند، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۶۶. محمودی، سید محسن؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، چاپ ششم، بهار ۱۳۸۰.

۶۷. مرادی، مرضیه؛ اهداف حاصله از پوشش، مجموعه ی مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن در نظام اسلامی، بهمن ۱۳۷۰.

۶۸. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ صحیفه ی نور، مجموعه ی رهنمودهای امام خمینی (ره)، بهمن ماه ۱۳۶۱.

۶۹. مشهدی، محمد؛ تفسیر کنزالدقائق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، محرم الحرام ۱۴۱۳ هـ. ق.

۷۰. مصطفوی، سید حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۶۸ هـ. ش.

۷۱. مطهری، مرتضی؛ پاسخهای استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله ی حجاب، قم: انتشارات صدرا، چاپ دهم، خرداد ۱۳۷۹.

۷۲. مسئله ی حجاب، انتشارات صدرا، چاپ بهار ۱۳۷۷.

۷۳. معصومی، سید مسعود؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲.

۷۴. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر الکاشف، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الرابعة، ۱۹۹۰ م.

۷۵. مکی العاملی، شمس الدین محمد؛

(الشهيد الاول)، الدروس الشرعيه في فقه الاماميه، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.

۷۶. مؤسسه ی فرهنگی قدر ولایت؛ حکایت کشف حجاب، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸.

۷۷. مهدی زاده، حسین؛ نقد ادله مخالفین چادر مشکی، روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ۱۳۷۹.

۷۸. هماندیشی منطقی با جوانان درباره ی لباس، روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۸۰.

۷۹. فقر روش و بینش در بعضی مقالات مربوط به حجاب، روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۶ مهر ۱۳۸۰.

۸۰. مهریزی، مهدی؛ حجاب، تهران: مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹.

۸۱. ناظمزاده قمی، سید اصغر؛ جلوههای حکمت، قم: مؤسسه چاپ الهادی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۳.

۸۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، الطبعة السابعة، ۱۳۹۲ هـ. ق.

۸۳. نصرتی، علی اکبر؛ سحر شبهه، ماهنامه ی اطلاع رسانی مبلغان، ارم شماره ی ۳، ضمیمه ی بصائر مهرماه ۷۷، (ویژه نامه ی خبرگان سوم).

۸۴. النوری الطبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و نشر، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۸۵. ویژهنامه ی فرهنگ اسلام، بهار ۱۳۷۹.

۸۶. هاشمی، مینا؛ حجاب زیبایی شعار، کارآیی شعور، سالنامه ی زن، ستاد برگزاری نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی، بهمن ۱۳۷۱.

(۱). همان گونه که از عنوان آشکار میگردد، آنچه به عنوان منابع ذکر گردیده است، تنها بخشی از منابع است. غیر از منابع یاد شده، نگارنده به منابع فراوان دیگری نیز رجوع نموده است که به دلیل عدم نقل مستقیم، اسامی آنها در فهرست حاضر نیامده است، ولی بعضاً در پاورقیها نام برخی از آنها آمده است. افراد علاقمند به تحقیق درباره ی حجاب میتوانند به آنها و همچنین به منابعی که در کتابشناسیهای حجاب معرفی

شده است مانند دو کتابشناسی زیر رجوع کنند.

الف. رسول جعفریان، «کتابشناسی حجاب» مجله‌ی آینه‌ی پژوهش، شماره‌ی پیاپی ۶۹ مرداد _ شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۰۶.

ب. احمد ملک شاهی، «استدراکی بر کتابشناسی حجاب» مجله‌ی آینه‌ی پژوهش، شماره‌ی پیاپی ۷۲، ۷۱، آذر _ اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۶۶.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

